

امنیت کشور را با حاکمیت قانون انقلاب حفظ کنیم!

حفظ کنیم!

* ضدانقلاب می‌کوشد که با از میان بردن امنیت، شیرازه امور را از هم بپاشد، تا بتواند ضربه نهایی را وارد کند.
* انقلاب باید قانون خویش را حاکم کند، با قاطعیت، ضدانقلاب را سرکوب و با هشیاری صف افراد ناگاه و سازمانهای اشتباهکار را از صف ضدانقلاب جدا کند.

اسلامی ایران را سازمان دادند، ضدانقلاب فعالیت قانونمند خود را در ایران آغاز کرد. چنانکه تجربه تاریخ نشان داده است، از میان بردن امنیت یکی از اساسی‌ترین مواد قانون اساسی ضدانقلاب است، زیرا که هر انقلاب اصلی سیستم حاکمیت ضدانقلابی قبل از خود را از هم می‌پاشد و ارگانهای اداری و اجرائی آن را ویران می‌کند. در فاصله بین فروپاشی نظام پیشین تا برپایی نظام نوین، ضدانقلاب این ماده اساسی «قانون» خود را پیاده می‌کند. بقیه در صفحه ۴

ضدانقلاب در هفته‌های اخیر از میان بردن امنیت کشور را هرچه بیشتر در مرکز توطئه‌های خود قرار داده است. این تلاش ضدانقلاب برای ایجاد ناامنی در کشور، که در واقع ناشی از قانونمندی مبارزه تنگاتنگ انقلاب با ضدانقلاب است، نزدیک به دو سال است که در لباس هزاران توطئه و فیرنگ اجرا می‌شود. در واقع از همان روز ۲۴ بهمن ۱۳۵۷، که گروهی ساواکی در تهران، زیر نقاب «اسلام» به زنان بی‌حجاب حمله کردند و سپس خود اولین تظاهرات علیه جمهوری

آقای بنی صدر! واقعا هر انقلابی به استبداد منجر میشود؟

* تاسف انگیز و حیرت آور است که رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به نوشته یک پرفسور آمریکائی در روزنامه جناح‌ریگان استناد کند و تئوری او را تکوین و اثبات نماید!

آقای دکتر ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهوری، نظریه جدیدی را در سخنرانی خود به مناسبت دومین سالروز پیروزی انقلاب مطرح کرد. این نظریه جدید اینست که: «نتیجه هر انقلابی استبداد است!»
رئیس‌جمهور ابتدا منبع این نظریه را، معرفی کرد و گفت: «یک روزنامه آمریکائی وابسته به جناح ریگان بنام هرالد تریبون درباره سرنوشت انقلاب ما و در حقیقت هدفی بقیه در صفحه ۴»

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۴
سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۱۱ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

هشدار می‌دهیم: ضدانقلاب قصد دارد کامیونداران را به اعتصاب بکشانند

این توطئه خطرناک ضدانقلاب را خنثی کنند.
ما در همانحال به کامیونداران صدیق و مبین دوست هشدار می‌دهیم که در دام ضدانقلاب نیفتند و برای حل مشکلات واقعی و خواستههای بحق خود با مقامات مسئول مذاکره کنند و به تفاهم برسند.

این اعتصاب کشور را با کمبود کالا روبرو کند و باین ترتیب مردم را نازانی کند.
ما ضمن اعلام اینکه اعتصاب کامیونداران در شبلی، یکی از حلقه‌های اساسی توطئه آمریالیسم برای درهم‌شکستن دولت انقلابی آینده بود، به مقامات مسئول در این زمینه هشدار می‌دهیم. مقامات مسئول باید بدون درنگ

تعیین شده است. براساس اطلاعات رسیده، بندرعباس، بندر بوشهر، تبریز، چلغنا و بازرگان، که در حال حاضر کالاهای عمده وارداتی از این مناطق به کشور وارد می‌شود، برای آغاز اعتصاب در نظر گرفته شده است.
ضدانقلاب قصد دارد با برپائی

ضدانقلاب فعالیت گسترده‌ای را برای به اعتصاب کشاندن کامیونداران آغاز کرده است. بهانه ضدانقلاب برای به اعتصاب کشاندن کامیونداران، سه‌شنبه ۱۵۰ ریال بابت هر کیسه‌ای که کامیونداران کم می‌کنند، بهانه دیگری برای برپائی اعتصاب است، که زمان آن هفته آینده

هشدار:

توطئه فئودال‌های منطقه مغان علیه انقلاب

حدود ۵۰ تن از فئودالهای منطقه مغان، که با پیروزی انقلاب، منطقه را ترک کرده بودند، دوباره به منطقه بازگشته‌اند. طبق اخبار موثق که بدست ما رسیده است، این افراد قصد اجرای توطئه‌هایی در این منطقه مهم کشاورزی کشور را دارند. گفته می‌شود که این فئودالها با یکی از فئودالهای مشهور این منطقه، که اکنون در کشور ترکیه به سر می‌برد، ارتباط نزدیک دارند.

از مقامات مسئول می‌خواهیم که با رسیدگی دقیق به وضع این فئودالها و با اعمال قاطعیت انقلابی در برابر توطئه‌های این افراد، از بروز هرگونه آشوب، درگیری و هرج و مرج در این ناحیه مهم کشاورزی کشور جلوگیری کنند.

ما همچنین از تمامی روستائیان زحمتکش منطقه می‌خواهیم که با هوشیاری انقلابی خود در قبال دسایس شوم این ضدانقلابیون، و همکاری با ارگانهای انقلابی، نظیر سپاه پاسداران انقلاب و جهاد سازندگی، هرگونه نقشه توطئه‌آمیز از سوی فئودالها و عوامشان را خنثی سازند.

مشکل مسکن باید به شیوه انقلابی و با قاطعیت حل شود

صفحه ۴

به سلطه شرکتهای چند ملیتی و وضع نابسامان تولید و توزیع دارو در کشورمان پایان دهیم

صفحه ۶

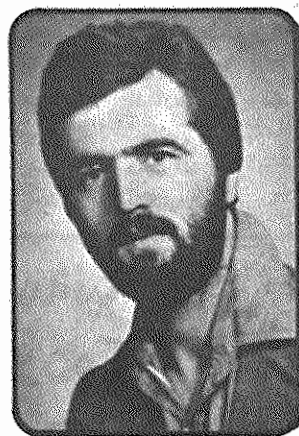
فدراسیون بین‌المللی حقوقدانان دمکرات را بشناسیم

صفحه ۶

نه، این قافله را سر باز ایستادن نیست

رفیق کارگر، توده‌های قهرمان، مجید قالیباف، قلب خویش را نثار انقلاب کرد

* رفیق شهید قبل از اعزام به جبهه می‌گفت: «اگر شهید شدم، مهم نیست، چون در راه عقیده و مرام خویش شهید خواهم شد.»



خویش، رژیم جنایتکار صدام را به تجاوز به خاک ایران واداشت، انقلابیون گروه‌گروه برای نبرد با دشمن متجاوز به سوی جبهه روانه گشتند. رفیق مجید نیز بعد از انتشار فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران، در جمع منتقسی خدمت‌های سال ۵۶، از اولین کسانی بود که خود را برای اعزام به جبهه معرفی کرد. او وقتی به جبهه می‌رفت، می‌گفت: «ما توده‌ای‌ها باید در صف اول نبرد باشیم.»

و این هنگامی بود که چند ماهی بیشتر از توده‌ای شدن رفیق مجید نمی‌گذشت. او سرانجام پس از چند سال مبارزه، در پی انواع گرایشها، به حزب توده ایران روی آورده بود. خودش می‌گفت: «پس از چند سال که در میان انواع گرایشها به فعالیت برداشتم، سرانجام دریافتم که تنها چیزی که میتواند حافظ منافع طبقه کارگر باشد، حزب توده ایران است.»
رفیق مجید روز قبل از اعزامش به جبهه، به سراغ یک رفیق توده‌ای رفت و گفت: بقیه در صفحه ۴

رفیق قهرمان دیگری با نثار جان خویش در راه انقلاب، به قافله شهیدان توده‌ای پیوست. رفیق قهرمان، کارگر توده‌ای، مجید قالیباف نیز، چون دیگر شهیدان حزب ما، قلب پرطینت خود را هدیه انقلاب کرد.

رفیق شهید مجید قالیباف در سال ۱۳۳۵ در تبریز، در یک خانواده زحمتکش بدنیا آمد. او نیز چون میلیونها کودک دیگر ایرانی، از همان کودکی با فقر و رنج روبرو رو شد. رفیق مجید روزها هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. وی سرانجام در کلاس دهم دبیرستان برای تأمین خرج خانواده مجبور به ترک تحصیل شد. رفیق مجید ابتدا به کفاحی رو آورد و سپس به لوله‌کشی پرداخت، و سرانجام بعد از پایان خدمت سربازی، در کارخانه تراکتورسازی به استخدام درآمد. و این آغاز شکفتن غنچه‌های انقلاب بود. رفیق مجید با شور و بی‌پایان به صف مقدم اعتصابها و تظاهرات پیوست و تا پایان همانجا ماند. آنهایی که آنزمان در کارخانه بودند، به خوبی بیاد

بر اساس اطلاعات ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران: رزمندگان نیروی دریایی، در جبهه خونین شهر، تعدادی از مواضع دشمن را ویران کردند

در ادامه نبرد با تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنوب و غرب کشور، رزمندگان انقلاب ضربات دیگری بر آنان وارد آوردند.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۴۰۶ خود، قسمتی از عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را با اطلاع همگان رساند. برطبق این اطلاعیه، روز ۲۵ بهمن رزمندگان انقلاب، با اجرای آتش توپخانه و سلاحهای سنگین، ۶ تانک، ۶ خودرو، یک لودر و ۲۰ انبار مهمات متجاوزین را منهدم کردند و حدود ۲۰ نفر از افراد دشمن را کشتند و یا زخمی کردند. همچنین رزمندگان نیروی دریایی در جبهه خونین شهر، با آتش سلاحهای سنگین، تعدادی از مواضع دشمن را ویران کردند. در اثر این عملیات، تن‌از متجاوزین مجروح شدند. در همین روز تجاوزگران صدامی، شهر آبادان را با سلاحهای سنگین مورد هدف بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد بشوید!

امنیت کشور را...

بقیه از صفحه ۱
همانطور که آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور گفت، ضدانقلاب بدقت تمام میدانند که:

«تا حکومت قانون صد درصد در نظام ما حکمفرما نیست و امنیت قضائی نامین نشده، مشکلات دیگر ما حل نمیشود حتی مشکلات تجاری، زراعت، خدمات، صنعت، اداری و غیر اینها، اگر ما امنیت قضائی و حکومت قانون را نداشته باشیم، خود عدم حکومت قانون موجب اعتراض را بالامیرده (نماز جمعه ۲۴ بهمن ۵۹)

و ضدانقلاب براساس این شناخت چینی، که حاصل سالیان دراز سرکوب خلعهاست، می کوشد تا با اختلال و خرابکاری و از میان بردن امنیت، مانع از استقرار نظام جدید شود و با استفاده از تجارب سازمانهای جاسوسی عظیم امپریالیسم، شیرازه امور را از هم بپاشد. ضدانقلاب بر نسبت که در این امر موفق شد - حتی در حد برپا کردن یک درگیری - آن را به حساب انقلاب می نویسد و خود درباره اینکه انقلاب قادر نیست امنیت زندگی مردم را تامین کند، تبلیغ می کند. برای نیل به این هدف، که دوروی یک سکه است، نیروی عظیمی از نوکران و جاسوسان امپریالیست با بودجه هنگفت، فعالیت می کنند. بویژه در کشورهای رو به رشد، که طبقات بینایی در آنها وزنه بسیار سنگین و اغلب تعیین کننده ای در صحنه سیاست دارند، این فعالیت می تواند اثرات مخرب و گاه مهلکی بجای بگذارد. حداقل امن دلخواه امپریالیسم این است که، با استفاده از این وضع، ابتدا طبقات بینایی و سپس توده های زحمتکش را نسبت به انقلاب بی تفاوت کند و سرانجام ضربه نهائی را بزند. این سیاست، که در کنار انواع و اقسام توطئه های دیگر اجرا می شود و در مرحله اول به پایگاه های داخلی امپریالیسم، عمال رژیم سابق، سارقین و اوباشان متکی است، برای مثال در شیلی با موفقیت کامل انجام شده است.

در ایران هم ضدانقلاب، درست در روز بعد از پیروزی مرحله اول انقلاب ایران، اجرای این توطئه خود را آغاز کرده است. متأسفانه باید گفت، آنطور که شایسته انقلاب ایران است و در برخی موارد درست برخلاف خواست های انقلاب، هنوز که دو سال از پیروزی انقلاب میگذرد، «قانون انقلاب» در این باره به اجرا در نیامده و یا ناقص به اجرا در آمده است.

در این زمینه، آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، در نماز جمعه ۲۴ بهمن ۵۹، در بهشت زهرا گفت:

«دو سال از انقلاب ما گذشته. مسائل زیادی حل نشده، باره ای از مسائل حل نشده داریم. از مسائلی که حل نشده، یکی مسئله قانون است. براندرها و خواهرها، در جامعه ما تا قانون جای هر عملی بر قانون را نگرفته، تا نظم و انضباط جای هر گونه هرج و مرج را نگرفته، مسائل مشکلات دیگر را شاید نتوانیم حل کنیم.»

سخنان دادستان کل کشور، یا رشد بیسابقه فعالیت ضدانقلاب،

که از میان بردن امنیت را یکی از ارکان فعالیت خود قرار داده، همزمان است. این سخنان وقتی گفته میشود که ضدانقلاب آشکارا و بی پروا در جشن سالروز انقلاب به یورش می پردازد و توطئه وسیعی را علیه انقلاب سازمان میدهد. این همزمانی نشان می دهد که خوشبختانه مقامات مسئول به توطئه دشمن واقفند و به گفته دادستان کل کشور: «تلاش های زیادی میشود که حتی یک روز زودتر حکومت قانون برقرار شود.» (همانجا)

این نظر کاملاً درست است، زیرا شرط اول برقراری امنیت، چیزی جز حاکمیت قانون انقلاب نیست. در شرایط موجود، ضد انقلاب، بویژه با استفاده از جنگ تحمیلی امپریالیسم آمریکا، در دو زمینه سعی در از میان بردن امنیت دارد: اول از راه دامن زدن به درگیریها و تشنجاب سیاسی؛ دوم از طریق افزایش قتل، راهزنی، زدنی، حمله در معابر عمومی به مردم و... که فعالیت نوع دوم نیز میتواند مورد بهره برداری سیاسی قرار گیرد و میگیرد. هدف از هر دو فعالیت آماده کردن زمینه برای زدن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی ایران است.

به نظر ما، برای انقلاب ضرورت حیاتی دارد که مسئولان کشور، بدون فوت یک لحظه، با هشیاری و قاطعیت با این توطئه وسیع دشمن روبرو شوند و آن را خنثی کنند. در مورد فعالیت نوع اول - یعنی درگیریها و تشنجاب سیاسی - هشیاری عمیق به موازات قاطعیت ضرورت دارد. باید کوشید تا با اعمال شناخته شده و بدون بررسی دقیق، ناخواسته بسود ضدانقلاب عمل نکرد و افراد ناآگاه را به صفوف دشمن نراند. از اینرو لازم است:

۱- اگر افراد ناآگاه می کوشند وظایف ارگانها و نهادهای انقلاب را بر عهده بگیرند، باید با هشیاری آنها را مطلع کرد و از دخالت در امور این ارگانها باز داشت. این امر مهم اولین بار در ۲۳ دی ۵۹ در تهران با موفقیت انجام شد.

۲- در مورد آن گروهها و سازمانهای سیاسی که در واقع چایشان در کنار انقلاب است، اما بعلمت تحلیل نادرست اوضاع، و یا ساده نگری به مسائل اجتماع عملاً در کنار ضدانقلاب قرار گرفته اند، تنها هشیاری، صبر و بصیرت انقلابی می تواند کارساز باشد. مقامات مسئول بدون شک می توانند با برخورد اصولی و دوستانه با این گروهها، صف آنها را از صف ضدانقلاب جدا کنند و آنها را بار دیگر در کنار خلق قرار بدهند.

به نظر ما، اجرای این سیاست که خود در متن حاکمیت قانون انقلاب و ارگانهای انقلابی میسر است، می تواند ضدانقلاب را بدون پوشش و کاملاً مریان در آفتاب انقلاب به توده ها نشان بدهد و آنها رسوا کند. وقتی چنین شد، متقابل خود دیدند، آنوقت همان طور که وقایع روز ۲۳ دی ۵۹ یا ماجرای «خلق مسلمان» در تبریز نشان داد، انقلاب می تواند به آسانی دشمن را خلع سلاح کند. در این صورت، یعنی وقتی که ضدانقلاب و لیبرالها و مانوئیستیهای آمریکائی به میدان

آقای بنی صدر...

بقیه از صفحه ۱

قدرتهای خارجی و نقشه آنها برای کشور ما مطلبی نوشته است که من عیناً آنرا برای شما می خوانم. این روزنامه از قول یک تاریخ شناس آمریکائی بریتون نوشته است... (انقلاب اسلامی ۲۳ بهمن ۵۹)

رئیس جمهور که ظاهراً صاحب مطالعات وسیع تاریخی است و سالیان دراز در اروپا به تحقیق و تتبع اشتغال داشته و کتاب های متعددی نوشته است، با کمال تأسف و حیرت به یک منبع آمریکائی استناد می کند، آنهم منبئی که خود رئیس جمهور آن را وابسته به جناح ریگان معرفی می کند. یعنی یک مقام رسمی ایران در دومین سالروز پیروزی انقلابی که علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش بوجود آمده، به روزنامه ارگان جناح وحشی تر همان دشمنی استناد می کند که مردم ایران علیه آن با خاسته اند.

از استناد رئیس جمهور به مهملات ارگان انحصارات اسلحه سازی آمریکا، حیرت آورتر، خود نظریه است که باز هم در کمال تأسف و تعجب آقای بنی صدر نه تنها آنرا پذیرفته، بلکه در اجتماع عظیم مردم هم آن را تبلیغ می کند. نظریه بشرح زیر است:

«هر انقلابی سه مرحله دارد، سه مرحله اساسی و متمایز از یکدیگر، اول آنکه پس از هر انقلابی عناصر ترقیخواه حکومت را بدست میگیرند، لیکن پس از چندی متعصبان آنها را کنار زده و قدرت را بدست میگیرند و در این زمان است که کشور دچار بحران، هرج و مرج و ترور و وحشت میشود و بالاخره دوران هیجان و التهاب هرج و مرج و فشار تحقیر می یابد و دولت جدید زمام قدرت را تدریجاً به دست خواهد گرفت و مرحله بعدی بر اساس این تئوری دیکتاتوری خواهد بود...» (همانجا)

حتی کسی دقت هم لازم نیست! این نظریه بروشنی تمام، در تک تک واژه های خود فریاد می کند که یک تئوری صد درصد امپریالیستی است، که در زرادخانه دینتاکون و وسیله ضرب شده و از قلم یکی از هزاران پرفسور متخصص سازمان «سیا» بیان شده است.

این تئوری آشکارا می گوید که هر انقلابی (توجه کنید هر انقلابی، بدون استثناء) به دیکتاتوری منسجر خواهد شد، یعنی اینکه نبرد حماسی خلقها علیه استبداد و دیکتاتوری بی فایده است، و باین علت روشن بی فایده است که، بعد از مدتی استبداد جدیدی بوجود می آید و روز از نو و نتیجه

اینکه: چون نتیجه هر انقلابی (پرفسور «سیا» دوبار تأکید می کند هر انقلابی) علیه استبداد، مجدداً به استقرار استبداد جدید منجر می شود، بهتر است خلقها عطای انقلاب را به لقایش ببخشند و انقلاب نکنند. چون اگر انقلاب هم کنند تنها فایده اش این است که بعد از هزاران کشته و مجروح، باز هم استبداد جدید حاکم میشود. بنابراین خلقهای هم که مثل خلق ایران (که متأسفانه قبلاً با این تئوری آشنائی نداشتند) و گرنه انقلاب نمی کردند و با همان دیکتاتوری شاه می ساختند! انقلاب کرده اند، بیسوده رزمیده اند و با خون جوانان خود خیابانها را رنگین کرده اند، چون باز هم دیکتاتوری جدیدی مطابق تئوری - مستقر خواهد شد.

بیان این تئوری امپریالیستی، که هدفی غیر از لوٹ کردن انقلاب خلقهای جهان، که بی بدنه های امپریالیسم را می گسلند، ندارد، از پرفسورهای دستگاه جهانی امپریالیسم آمریکا و روزنامه جناح ریگان نه تنها بعید نیست، بلکه ناشی از ماهیت جنایتکارانه است. چاپ این تئوری در «هرالد تریبون» تعجب برانگیز نیست. طبیعی است. دهها سال است ادامه دارد. حیرت آور طرح این تئوری از جانب رئیس جمهوری اسلامی ایران است. و حیرت آورتر این است که آقای بنی صدر با ارائه باصطلاح شواهد تاریخی، یاوه های پرفسور آمریکائی را کاملاً تأیید و «اثبات» می کند:

«تحقیقات آقای بریتون شواهد فراوان تاریخی دارد. انقلاب مشروطه به استبداد رضاخانی انجامید. انقلاب نفت به ۴۸ مردان انجامید. انقلاب کیس فرانسه به استبداد ناپلئونی انجامید. انقلاب روسیه به استبداد استالینی انجامید. همه اینها و دهها نظائر اینها شاهد است بر این ادعای بریتون بنام بر این ظاهراً می توان قبول کرد که یک امر جبری و انکارناپذیر را گفته است. هر انقلابی به استبداد انجامید بنا بر این باید انقلاب اسلامی ما هم به استبداد انجامد.» (انقلاب اسلامی ۲۳ بهمن ۵۹)

و باین ترتیب رئیس جمهوری اسلامی ایران با تکمیل «تئوری» پرفسور آمریکائی و ذکر شواهد تاریخی (!!) برای آن، بر همه انقلابهای بزرگ جهان، که یکی - انقلاب فرانسه - بساط فتوالیسم را روید، و دیگری - انقلاب اکبر - تحول عظیم تاریخی به سود زحمتکشان را سبب شد، خط بطلان می کشد، و بعلاوه، با اعلام جبری و انکارناپذیر بودن این گفته که «هر انقلابی به استبداد انجامید»، حکم نهائی را برای همه انقلابهای جهان و از جمله انقلاب ایران صادر میکند.

براستی سبب شکستی است که رئیس جمهوری اسلامی ایران در سالروز پیروزی خلق بر استبداد ۳۰۰۰ ساله شاهنشاهی، با طرح این «تئوری» امپریالیستی، بجای تقدیس این پیروزی و شرکت در تثبیت آن، در واقع پیروزی خلق بر دشمن را بیسوده و بی فایده معرفی می کند. آقای بنی صدر، به طرز حیرت آوری، «تئوری» امپریالیستی یاد شده را بر انقلاب ایران هم تطبیق میدهد و می گوید:

«ایران محکمی است برای این ادعای تاریخ شناس آمریکائی بریتون. بنابراین از قول آمریکا مرحله اول انقلاب که پیروزی ۲۳ بهمن بود تمام شد. مرحله دوم انقلاب، بحران و هرج و مرج، دارد تمام میشود و باید مرحله سوم را، که استقرار دیکتاتوری و استبداد است فراهم کند.» (انقلاب اسلامی ۲۳ بهمن ۵۹)

و نتیجه تئوری اینک انقلاب ایران هم مانند هر انقلابی به استبداد منجر خواهد شد. و این استبداد بسیار مهم نزدیک است، چون مرحله اول و دوم آن - مطابق تئوری پرفسور آمریکائی - در حال پایان است و باید منتظر مرحله سوم باشیم، که مرحله استقرار دیکتاتوری و استبداد است! و باین ترتیب، انقلاب شکوهمند مردم ایران، که به قیمت خون ۷۰ هزار شهید، رژیم دیکتاتوری شاه را سرنگون کرد، بار دیگر به استبداد منجر می شود! پس چه کاری بود که دست به انقلاب زدیم؟ مردم ایران بیکبار بودند که انقلاب کردند! انقلاب چه فایده ای غیر از این داشت که خلق را در خون غوطه ور کرد، تا بساط یک دیکتاتوری را پسرچیند و دیکتاتوری تازه ای را برپا کند؟

متأسفانه نتیجه ای که از سخنان آقای رئیس جمهوری گرفته میشود، تنها به گذشته مربوط نیست. یعنی تنها بر انقلاب پیروزمند ۲۳ بهمن خط بطلان نمی کشد، بلکه بر آینده هم نظر دارد. اگر این تئوری پذیرفته شود، اولین نتیجه اش آن خواهد بود که ادامه انقلاب و پیروزی قطعی بر امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا هم ثمری ندارد، چون بهر صورت انقلاب به استبداد منجر خواهد شد!

برای ما باورکردنی نیست که رئیس جمهور اهل تحقیق ایران این مطالب را ندانند. بنابراین از ایشان می پرسیم: طرح تئوری یاد شده بسود چه کسی است؟ واقعا آقای بنی صدر فکر می کند با طرح و تکمیل «تئوری» یاد شده، به انقلاب ایران و کسب «آزادی» و جلوگیری از «دیکتاتوری» کمک کرده اند؟

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق

می آیند - مانند ۲۳ دی ۵۹ - قاطعانه باید فعالیت آنها را خنثی کرد و متخلفان و توطئه گران را بدست قانون سپرد. قاطعیت و برخورد اصولی ارگانها و نهادهای انقلابی، بویژه سپاه پاسداران، با توطئه روز ۲۳ دی ۵۹، که در این زمینه کم سابقه بود، می تواند نمونه خوبی برای آینده باشد.

در مورد فعالیت نوع دوم نیز بدون شک باید ارگانهای انقلابی با قاطعیت تمام عمل کنند. خولت باید با قاطعیت تمام با خردی، غارت، جنایت، راهزنی، سرور افراد عادی در خیابانها و چاهها مقابله کند و عاملان آن را به مجازات شدید برساند. چنانکه گفته شد، این نوع فعالیت - بویژه آن بخش که با سوء استفاده از لباس پاسداران و یا جعل کارت ارگانهای انقلاب انجام میشود - بدون تردید با ضدانقلاب مربوط است. بهمن خاطر لازم است که با تثبیت این چنانیکاران، شبکه های آنان را کشف کرد و باین ترتیب نیز به مراکز ضدانقلاب دست یافت و آنها را نابود کرد.

به نظر ما، لازم است که در این موارد، از طریق رسانه های گروهی، بویژه رادیو و تلویزیون، برای توده ها آشناسازی و ماهیت اصلی این عوامل فاش شود.

نه، این قافله را...

بقیه از صفحه ۱
«می خواهم عضو حزب بشوم.» رفیق مجید چند ساعت قبل از اعزام به جبهه، برگ تقاضای عضویتش را تقدیم حزب خویش کرد و گفت:

«حالا اگر شهید شوم، اسمم در صف شهدای حزب توده ایران ثبت خواهد شد.»

رفیق مجید هنگام خدا حافظی به خواهرش گفت:

«خواهر جان، از رفتن من به جبهه ناراحت نباش. خون من از خون هیچ شهیدی رنگینتر نیست. اگر هم شهید شدم، مهم نیست، چون در راه عقیده و مراد خویش شهید خواهم شد.»

روز ۱۰ بهمن ۵۹، هنگامیکه رفیق مجید، به همراه چند سرباز دیگر، از ارومیه عازم جبهه بود، پیکر پاکش با گلوله تجاوزگران صدامی از هم دریده شد، وساعتی بعد رفیق مجید، همانطور که خود خواسته بود، در راه آرمانش، جان خویش را نثار انقلاب کرد.

روز ۱۳ بهمن ۵۹، جنازه رفیق شهید مجید قالیبالی در تبریز بر شاهراهی خلق تشییع شد. سیل خروشان مردم، به همراه سپاه پاسداران، پیکر به خون آغشته رفیق مجید را، در حالیکه گروه موزیک ارتش جمهوری اسلامی ایران در پیشاپیش آن حرکت می کرد، در میان شمارهای «این گل پررماست - خنثی رهبر ماست» «برادر شهیدم، راهت ادامه داره» تطبیع کردند و در گورستان هوادی رحمت، تبریز به خاک سپردند.

و توده های راه، با رفیق شهیدی که همراه قافله شهدای توده ای، شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد، دیگر یار میثاق می بندند که راه او را تارچه کن شدن امپریالیسم از خاک همین ادامه دهند.

بعد رفیق مجید، همانطور که خود خواسته بود، در راه آرمانش، جان خویش را نثار انقلاب کرد.

روز ۱۳ بهمن ۵۹، جنازه رفیق شهید مجید قالیبالی در تبریز بر شاهراهی خلق تشییع شد. سیل خروشان مردم، به همراه سپاه پاسداران، پیکر به خون آغشته رفیق مجید را، در حالیکه گروه موزیک ارتش جمهوری اسلامی ایران در پیشاپیش آن حرکت می کرد، در میان شمارهای «این گل پررماست - خنثی رهبر ماست» «برادر شهیدم، راهت ادامه داره» تطبیع کردند و در گورستان هوادی رحمت، تبریز به خاک سپردند.

و توده های راه، با رفیق شهیدی که همراه قافله شهدای توده ای، شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد، دیگر یار میثاق می بندند که راه او را تارچه کن شدن امپریالیسم از خاک همین ادامه دهند.

مشکل مسکن باید به شیوه انقلابی و با قاطعیت حل شود

مشکل مسکن - مشکل جامعه قبل از انقلاب - بود. دشوار جامعه قبل از انقلاب - بود. سلطه رژیم دست‌نشانده امپریالیسم همساله بر بیچیدگی این مشکل می‌افزود. انقلاب می‌تواند و باید از طریق تصمیمات اساسی و برنامه‌های کوتاه و درازمدت به حل این مشکل نائل آید. برآوردن نیازهای مردم زحمتکش روستایی و شهری به مسکن قابل سکونت و بهبود وضع شهرها، از خواست‌های اساسی انقلاب بشمار می‌رود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وعده برخورداری از مسکن مناسب را به مردم داده است. این وعده باید به اجرا درآید.

مشکل مسکن - مشکل چند بُعدی جامعه قبل از انقلاب است

مشکل مسکن در جامعه قبل از انقلاب ضدامپریالیستی مردمی ایران بعدهای متفاوتی پیدا کرده بود. اولین بعد این مشکل، تشدید احتیاج توده‌های وسیع مردم روستایی و شهری به داشتن مسکن مناسب و فزونی عدم توانایی رژیم دست‌نشانده پهلوی در پاسخ‌گویی به این احتیاج بود. این مشکل به‌طور عمده از آن‌جانب می‌شد که رفته‌رفته ضرورت داشتن مسکن مناسب و قابل سکونت، بیشتر به یک امر اجتماعی، که بایستی دولت به آن می‌پرداخت، بدل می‌شد، حال آن‌که حل این مسئله مهم اجتماعی، بیش از پیش در دست اقشار معدود مالکین خصوصی متمرکز می‌گردید، که مسئله مسکن را به‌وسیله سودجویی و آرمندی خود در غارت و استثمار شدیدتر مردم بدل می‌کردند.

سال به‌سال برای افکار عمومی این واقعیت روشن‌تر می‌گردید، که ابقاء میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستایی و شهری در خانه‌های گلی و سرباهای غیر مقاوم در برابر حوادث طبیعی و فاقد ساده‌ترین وسایل رفاهی و بهداشتی، زیران عظیمی به جامعه ایران وارد می‌سازد. رژیم سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و بزرگ‌مالکان غارتگر، نه فقط به حل این مسئله توجهی نمی‌کرد، بلکه از نیاز جامعه به مسکن قابل سکونت، به وقیحانه‌ترین طرز بهره‌برداری می‌نمود. مسئله مسکن در رژیم گذشته به وسیله تملک غاصبانه اراضی، دلالی‌های سودآور، اجاره‌بهای سنگین، و خلاصه غارت دسترنج مردم زحمتکش و اقشار متوسط جامعه بدل‌شده بود.

طی سال‌های تسلط رژیم پهلوی پدر و سر، به‌ویژه در ربع قرن اخیر، سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالکان، با هجوم به تصرف غاصبانه اراضی شهری و تملک بر مستغلات، مسئله مسکن را برای جامعه ایران، بخصوص برای زحمتکشان، به فاجعه تبدیل کردند. تمرکز مالکیت بر مستغلات، همراه با افزایش سرسام‌آور بهای زمین، گرانی کار ساختمان و اجاره بها، در عرض مدت کوتاهی جامعه ایران را با پیدایش آن‌چنان گروه‌های قدرتمند اقتصادی و مالی مواجه ساخت، که غارت‌عادی سرمایه‌داری و بزرگ‌مالکی در برابر آن‌ها ناچیز جلوه می‌کرد. به همین جهت بود که سرمایه‌های غارتگر امپریالیستی و داخلی برشته معاملات زمین و ساختمان در شهرها روی آوردند و سوده‌های بادآورده حیرت‌انگیز میلیاردر دلاری به جیب‌های خود سرازیر کردند. این سودهای عظیم به حساب غارت زحمتکشان صورت می‌گرفت، چه از راه فروش زمین برای مسکن، چه ایجاد خانه‌های بساز و بفروش و چه دریافت اجاره بهای سنگین.

اما غارت دسترنج مردم زحمتکش و حتی اقشار متوسط جامعه از جانب زمین‌خواران و صاحبان مستغلات، که خاندان ننگین پهلوی در رأس آنان قرار داشت، تنها یک جهت زیان عظیم مشکل مسکن در دوره طاغوت بود. جهت عمده دیگر این زیان آن بود که، از یک‌طرف مسئله‌ساز مسکن در دهات به‌کلی به‌دست فراموشی سپرده شد، زیرا چنین کاری برای غارتگران صرف نمی‌کرد. از طرف

دیگر شهرهای ایران به‌ناهنجارترین شکل وسعت پیدا کرد، حیف و میل اراضی کشاورزی و از بین رفتن باغات اطراف شهرها مقیاس تخریبی عظیم به‌خود گرفت و امور رفاهی شهرها به کلی به‌دست فراموشی سپرده شد. در جهان کم‌تر کشوری رامی‌توان یافت که در امر شهرسازی، رفاه مردم تا این حد نادیده گرفته شود. شهر ششمیلیونی مانند تهران فاقد فاضلاب و آگوسازی است. نقاط مسکونی، حتی در حیطه شهر، با مسافت‌های کیلومتری از هم جدا بنا شده و یک "دریا" بناهای ویلایی ابعاد شهر را به چهار طرف، بدون در نظر گرفتن مشکلاتی که این امر از نظر تامین وسایل رفاهی ایجاد می‌کند، سوق داده است. تنها وضع تهران بدین‌صورت نیست. همه شهرهای ایران در دوران طاغوت شهرهای از "قواره" دررفته‌اند، که هزینه‌های خدماتی در آن‌ها چندین برابر هزینه‌های مشابه در شهرهای نظیر در کشورهای دیگر است.

پیدایش مشکلات عظیم در مسئله مسکن، در رژیمی که توجه آن‌معطوف تامین منافع مرتجع‌ترین اقشار سرمایه‌داری وابسته و بسط بی‌رویه مصرف، به‌خاطر تشدید وابستگی به امپریالیسم، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا بود، البته امری تصادفی نبود. رژیم دست‌نشانده سیاست بیدار مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری بر مسکن و مستغلات را تشویق می‌کرد. در آن رژیم، مسکن - مایحتاج اولیه مردم - به‌وسیله مهم غارت ثروت کشور و دسترنج زحمتکشان بدل شده بود. شاه طمعون برای تعمیر آگوی لندن قرضه دو میلیارد دلاری به انگلستان می‌پرداخت اما حاضر نبود برای شهر چندمیلیونی تهران مجرای فاضلاب بسازد.

سیاست رژیم مرگبار گذشته در مسکن، متوجه محروم نگاه‌داشتن میلیون‌ها خانوار سکنه روستایی از دسترسی به مسکن مناسب بود. آن رژیم زحمتکشان شهری را در وضعی نگاه می‌داشت که تا بیش از نصف دستمزد و حقوق خود را برای اجاره مسکن می‌پرداختند. پهلوی‌های زمین‌خوار چنان مالکیتی بر مستغلات شهری بوجود آوردند که، افراد معدودی مانند خود آن‌ها و افراد خانواده‌شان، صاحب صدها خانه مسکونی و مستغلات شهری شدند و نه سالیانه، بلکه هر ماه میلیاردها ریال حق اجاره دریافت می‌کردند.

این وضع، اگر مردم را عاصی نمی‌ساخت تعجب داشت. مسئله مسکن در سال‌های آخر سلطنت شاه دست‌نشانده، به‌صورت یکی از حادثه‌ترین و فزونی‌ترین مسائل اجتماعی درآمد. عدم رضایت شدید توده‌های وسیع مردم در این زمینه، یکی از عوامل تدارک انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی بود. اکنون مردم ایران به حق می‌خواهند که در زمینه مسکن و دیگر مشکلات مربوط به آن، قدم‌های اساسی برداشته شود و انقلاب خواست‌های آنان را در این امر مهم برآورده‌سازد.

بعدهای مختلف مسئله مسکن پس از انقلاب

با توجه به توضیحاتی که پیرامون ابعاد مختلف مشکل مسکن در رژیم طاغوت دادیم، بعدهای مختلف این مشکل را، که به‌جامعه انقلابی کنونی مابه ارت رسید و حل آن باید در دستور کار دولت انقلاب قرار گیرد، می‌توان به‌صورت زیر به ترتیب اهمیت خلاصه کرد:

اول محرومیت توده‌های وسیع دهقانان از داشتن مسکن مناسب. در این زمینه رژیم مرگبار طاغوتی مشکل

سنگینی از خود به‌جا گذاشته، که باید هرچه‌زودتر به حل آن اقدام شود. درست است که یک شبه و یک ساله نمی‌توان دهقانان و زحمتکشان شهری را با مسکن قابل سکونت تامین کرد و آنان را از خانه‌های گلی و بی‌فولهای کنارشهری نجات داد. این کار زمان می‌خواهد و محتاج به برنامه‌های ضربتی فوری و طویل‌مدت است. خوشبختانه هم‌اکنون برنامه‌های ضربتی خانه‌سازی در دهات را جهاد سازندگی به‌اجرا گذاشته، ولی دامنه این برنامه‌ها، با امکاناتی که همین امروز در اختیار داریم، بسیار محدود است. خانه‌سازی در دهات رامی‌توان و باید با حجم و سرمایه‌گذاری به مراتب وسیع‌تری به‌اجرا گذاشت. ضمناً از هم‌اکنون باید متوجه بود که این کار است بس وسیع، که باید سال‌ها ادامه یابد و حجم کار هر سال نسبت به سال قبل بیشتر می‌شود. برای این اساس، موازی با توسعه کارهای جاری در امر خانه‌سازی در دهات، باید به تنظیم برنامه‌های درازمدت برای این کار حیاتی پرداخت. باید در نظر داشت که رفته‌رفته کارخانه‌سازی در دهات برپایه صنعت ساختمانی هم‌جانبه‌ای استوار شود، که بتواند جوابگوی حل این مسئله در مقیاس تمام دهات کشور باشد.

دوم پرداختن به وضع توده‌های زحمتکش فاقد مسکن در شهرها. این مسئله حیاتی با سرشت صدها هزارخانوار زحمتکش، سربست‌های آن‌ها که از صبح تا شام در کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و خدماتی کار می‌کنند، ارتباط دارد. باید توجه داشت که در حل مشکل مسکن در شهرها، در درجه اول باید تامین کارگران شاغل در تولید و خدمات مورد توجه قرار گیرد. اولویت تامین مسکن باید برای بازوهای کاری باشد که چرخ تولید ملکت را می‌گردانند، نه افراد بیکاره‌ای که گاه آمادگی تن دادن به کار را نیز از دست داده‌اند و زندگی انگلی دارند. از جمله باید خانه‌های مصادره شده را قبل از همه به کارگرانی داد که سال‌ها سابقه‌کار دارند، ولی هنوز بدون‌خانمانند.

به اقتضای طفیلی فقرزده شهرها، که اصطلاحاً "به آن‌ها" "لومین" می‌گویند، البته باید کمک کنیم. آن‌ها را باید معالجه کنیم و از کتبی که رژیم مرگبار گذشته برای آن‌ها بوجود آورده، نجات‌شان دهیم. اما اگر بخواهیم مشکل مسکن در شهرها را محدود به‌تامین مسکن برای این اقشار بدانیم، جدا اشتباه کرده‌ایم. مشکل مسکن در شهرها در درجه اول مشکل محرومیت صدها هزار کارگرزحمتکش و عائله آن‌ها از داشتن مسکن مناسب و پرداخت اجاره‌بهای سنگین است، که گاه تا دوسوم دستمزد و حقوق آنان را شامل می‌شود. انقلاب در درجه اول باید به حل این مشکل بپردازد و تمام توان خود را برای حل این مشکل، که امکانات قابل‌ملاحظه‌ای هم برای حل فوری آن وجود دارد، به‌کار برد. مثلاً هم‌اکنون دهها هزار خانه - های نیمه‌تمام، چه به‌صورت شرکت‌ها و چه به‌صورت بناهای تک واحدی، در تهران و شهرهای بزرگ وجود دارد، که پس از پیروزی انقلاب کار ساختمان در آن‌ها متوقف شده و یا به‌حدتوقف پایین آمده است. می‌توان با تعیین تکلیف مالکیت این‌خانه‌ها و اتخاذ تصمیم در این باره، که مالکیت مسکن باید محدود گردد و از حد معتدلی تجاوز نکند، در مدت کوتاهی صدها هزارخانوار زحمتکشان شهری را صاحب‌خانه مسکونی کرد. انقلاب باید هرچه‌سریع‌تر ثمره مادی خود را به‌توده‌های زحمتکش عرضه دارد. تقبل تامین زحمتکشان با مسکن مناسب از راه مالکیت عمومی بر مجتمع‌های مسکونی، طبق قانون

اساسی جمهوری اسلامی از وظایف دولت انقلاب است. مدتی قبل وزارت کار تاسیس واحدهای مسکونی تعاونی را به کارگران وعده داد. اجرای هرچه سریع‌تر این وعده ضروری است. اما تامین مسکن زحمتکشان شهری کاری نیست که در توانایی سرمایه‌های تعاونی و اصولاً واگذاری زمین‌به‌خود زحمتکشان باشد.

صرفه‌جویی کارگران و خانواده‌های آنان در حدی نیست که حتی با دریافت مجانی زمین بتوانند صاحب مسکن شوند. کارگران به‌درستی ترجیح می‌دهند که خانه‌های مسکونی با مالکیت‌های عمومی، به شرط اجاره‌ای که بیش از ده درصد دستمزد آنان نباشد، به‌آن‌ها واگذار گردد. این بدان معنی است که مشکل مسکن در شهرها به‌طور اساسی می‌تواند و باید به‌وسیله خود دولت با اقدام به سرمایه‌گذاری‌های عظیم در این کار صورت گیرد، و به اقدامات دیگر باید به‌عنوان اقدامات کمکی پرداخته‌شود. سوم پرداختن به مشکل مسکن اقشار وسیع اجاره‌نشینان. قشر عظیم اجاره‌نشینان را افرادی از طبقات زحمتکش جامعه تشکیل می‌دهند که یا کارگرند و کارمند و یا گروه‌هایی از روشنفکران و دیگر اقشار متوسط جامعه شهری. واقعیت این است که، همه اجاره‌نشینان، گذشته از مشکلات متعددی که با صاحبان مستغلات و اماکن مسکونی دارند، مشکل عمده بهای سنگین و کم‌رشدن است. مبلغ اجاره‌بهای اماکن مسکونی تا ۵۰ درصد و گاه بیشتر درآمد خانوارهای اجاره‌نشین را می‌بلعد.

تعدیل مال‌الاجاره تا میزان ۱۵ الی ۲۰ درصد درآمد خانوارهای اجاره‌نشین، از مسائل جدی انقلاب است. با هیچ دلیلی نمی‌توان ادامه وضع کنونی را، که خانواده‌های زحمتکش کارگر و کارمند مجبورند بیش از نیمی از درآمد دستمزد و حقوق خود را بابت اجاره‌بها بپردازند، تبریته کرد. به دوران باج و خراجی که صاحبان عمده مستغلات و اماکن مسکونی شهری از سکنه شهرها می‌گیرند و هم‌ساله صدها میلیارد ریال درآمد عمومی را تصرف می‌کنند، باید پایان داد. باید دانست که صدها میلیاردی که در شهرهای ما، که مسکن و مستغلات و اماکن مسکونی، یکی از علل فساد طبقاتی در جامعه‌ای است که به تعدیل ثروت‌ها نیاز دارد.

جالب این‌که صاحبان عمده مستغلات، با این‌که اجاره‌های سنگینی از اجاره‌نشینان می‌گیرند، به‌پرداخت مالیات عادلانه به دولت نیز تن نمی‌دهند. در شهرهای ما، که مسکن و مستغلات و اماکن مسکونی، یکی از علل فساد طبقاتی در جامعه‌ای است که به تعدیل ثروت‌ها نیاز دارد.

مالکیت‌های عمده بر مستغلات شهری و اماکن مسکونی، فساد عظیمی را بر جامعه مسئولی ساخته است. نمونه‌ای از این فساد در وجود معاملات - ملکی‌ها و دفاتر اسناد رسمی مشاهده می‌شود. شماره دفاتر معاملات ملکی - ها در تهران، که هنوز هم با نام‌های خارجی "سان‌هاوس" و "رادهاوس" و صدها نظایر آن به فعالیت خود ادامه می‌دهند و هر یک دفاتر سیله وسیعی با چندین تلفن و کارمند در اختیار دارند، چندین برابر شماره‌نمایی - های شهرها است! جالب این‌که این‌ها هنوز هم خارجی‌ها را در اجاره خانه بر ایرانی، مقدم می‌شمارند و گویی از نظر آن‌ها انقلابی صورت نگرفته است. این‌ها خدمه عظیم، که هزینه ماهیانه دفاتر و حقوق آنان سر

به دهها میلیون تومان می‌زند، خدمتگزاران صاحبان عمده مستغلات و اماکن مسکونی هستند. معاملات ملکی - هاسی در بالا بردن اجاره‌بها، نه سال‌به‌سال، بلکه ماه به‌ماه و هفته به هفته دارند. با هیچ دلیلی نمی‌توان این غارت آشکار را تبریته کرد که دلایل‌های معاملات ملکی‌ها، با اجاره هر آپارتمان، حداقل، اجاره‌بهای ماهیانه آن‌را به‌عنوان دستمزد خود طلب می‌کنند. چنین نظامی در امر مسکن در جمهوری اسلامی نمی‌تواند پایدار بماند و باید به عمر آن‌خانه داده‌شود.

چهارم بالاخره مسئله مهمی که در ارتباط با مسئله مسکن و مستغلات، حل آن برای دولت انقلاب ضرورت دارد، رسیدگی فوری به‌وضع شهرهای ایران است. برای شهرهای ایران وضع بسیار ناگوار است، چه از لحاظ معماری، چه ساختمان‌های شهری، چه خدمات عمومی، به جمهوری اسلامی به‌بارت رسیده است. مالکیت‌های عمده بر واحدهای مسکونی و مستغلات و این‌که سرمایه‌خصوصی مواضع اصلی وعمده‌را در امر مهمی مانند مسکن غصب کرده، باعث شده‌است که شهرهای ایران، به‌معنی واقعی کلمه، از قواره بیفتند، از نظر خدمات عمومی و رفاهی در سطح نازلی از رشد درجا بزند، واز مشکل ترافیک و آلودگی فضای شهر فاضلاب و اماکن اجتماعی مورد نیاز، مانند مدرسه و کتابخانه و حتی پیاده‌رو و پارک و فضای سبز، هزاران مشکل داشته‌باشد. این مشکلات حل‌نشده نیست، مگر آن‌که دست سرمایه‌های عمده خصوصی از امر مهمی مانند مسکن و مستغلات کوتاه گردد.

مالکیت و نظارت اجتماعی بر مسئله مسکن نیاز انقلاب است و مسئولیت‌های عمده و اساسی در کار - های سهم شهرهای امروز، که مراکز اجتماع میلیون‌ها نفر است، باید به عهده دولت باشد. سرمایه‌خصوصی امکان حل مسائل و صلاحیت دخالت در آن‌را ندارد. تا زمانی که در این امر مهم تصمیم‌گیری نشود، نمی‌توان هیچ‌قدم مهمی در حل معضلات شهر - های ایران، چه از لحاظ تامین خدمات عمومی و چه تامین نیازمندی‌های ضرور روز و اجرای برنامه‌های دراز - مدت، برداشت.

نتیجه

مجلس شورای اسلامی ایران و دولت انقلاب باید درباره امر مسکن، چه در مسائلی که مربوط به ساختمان خانه‌برای ساکنان روستاها و تامین زحمتکشان شهری با مسکن است، چه برای تعدیل اجاره‌بها و چه تعیین حدود مالکیت برواحدهای مسکونی و مستغلات و اراضی شهری، قدم‌های اساسی بردارد. اختصاص بودجه‌های مناسب دولتی به امر ساختمان مسکن و ایجاد صنایع ساختمانی، تحدید مالکیت بر مستغلات و مسکن و تعدیل اجاره‌بها، اقدام فوری به تکمیل ساختمان‌های نیمه‌تمام، تمرکز کار مسکن در سازمان‌های دولتی، از میان برداشتن دلال‌بازی و بورس زمین و معاملات مسکن، تعیین تکلیف عادلانه اراضی موات شهری، تشویق تعاونی‌های ساختمان مسکن، این‌ها و یک ردیف اقدامات دیگر کارهایی هستند که همین امروز می‌توان و باید به‌آن‌ها پرداخت، تا بخشی از مشکلات موجود در امر مسکن حل شود. هنگامی که مجلس شورای اسلامی ایران دولت و انقلاب در این زمینه - ها به‌فوریت و قاطعیت عمل کنند، مسلماً اعتقاد عمومی بر آن قرار خواهد گرفت که انقلاب در درازمدت نیز توانایی حل مشکل مسکن را خواهد داشت. به‌نوبه خود این اعتقاد - اعتقاد به این‌که انقلاب به‌سود زحمتکشان کام‌های عظیمی و اساسی برمی‌دارد - همان چیزی است که انقلاب در مرحله کنونی رشد خود بدان نیازمند است و به اتکا آن می‌تواند توطئه‌هایی جنایت‌بارتر از آنچه را که ضد انقلاب داخلی و امپریالیسم آمریکا تا به‌حال علیه جمهوری اسلامی ایران مرتکب شده‌اند خنثی کند.

جلوگیری از صدور ارز ورسیدگی به وضع کارگران شرکت های صادرات پسته از وظایف دولت انقلاب است

پسته یکی از اقلام عمده صادرات کشور است و از لحاظ اهمیت در مقام سوم جای دارد. بیشتر صادرات پسته ایران از باغات شهرستان رفسنجان به دست می آید.

شرکت صادرات پسته را در دست دارند، که تنها یکی از آنها تعاونی است و بقیه متعلق به بزرگ مالکان و باغداران عمده، این شرکتها پسته جمع آوری شده از هکتارها باغ بزرگ مالکان و نیز محصولات خریداری شده از خرده مالکان را در بازارهای داخل و خارج کشور بفروش می رسانند. تا قبل از اشغال لانه جاسوسی و تحریم اقتصادی ایران، آمریکا عمده ترین خریدار پسته ایران بود. شرکت های مزبور علاوه بر فروش داخلی، توسط عواملی که در خارج دارند، پسته را صادر میکردند و از این طریق سود زیادی بدست می آوردند.

برای نمونه این شرکتها در سه سال گذشته یعنی سالهای ۵۶، ۵۷، ۵۸، به ترتیب مقدار ۸۹۴۳۹۱۲، ۱۱۵۱۲۶۰۹ و ۶۹۵۶۶۴ کیلوگرم پسته صادر کرده اند، که ارزش آنها، طبق نرخ کیلویی که از طرف دولت تعیین کرده، تا در قبال آن صادر کنندگان متعهد شوند به همان مقدار ارز وارد کشور کنند، به ترتیب ۱۹۳۶۸۰۴۱، ۲۶۳۹۹۰۵۱۵ و ۱۵۱۳۳۴۴۵۸ ریال بوده است. البته این قیمت حقیقی فروش پسته در خارج نیست، زیرا شرکتها در خارج پسته را به قیمت بسیار زیاد می فروشند.

متاسفانه در دوران حکومت دولت موقت، در جلسهای که در تاریخ ۵۸/۲/۱۶ با حضور نمایندگان شرکتها، بانک مرکزی، وزارت بازرگانی، گمرک و مرکز توسعه صادرات تشکیل شد، نرخ پسته جهت برگرداندن ارز نسبت به زمان پیش از انقلاب از قرار هر کیلو نزدیک به ۲ تومان کاهش یافت و این خود موجب شد که علاوه بر برگشتن ارزش حقیقی ارز پسته، بعضی سرمایه داران صادرکننده، که در خارج مقیم هستند، حتی تعهد ارزی خود را نپردازند. خوشبختانه این مسئله مدت زیادی طول نکشید و بعدا توسط گمرک

از این عمل جلوگیری شد. با اینکه سود هنگفتی نصیب شرکتها و سرمایه داران عمده می شود، اما کارگران این شرکتها، بعلت فصلی بودن کار و مزد کم و نداشتن بیمه، شدیداً استثمار می شوند.

برای آشنائی با وضع کارگران این شرکتها با دونفر از کارگران صحبت می کنیم. یکی از آنها خود را محمد علی عموانی معرفی می کند و می گوید:

"در این شرکت حدود ۱۰۰ نفر زن و ۱۴ نفر مرد کار می کنند و هیچکدام بیمه نیستند. روزانه ۸ ساعت کار می کنیم و فقط روزهایی که کار می کنیم، پول می گیریم. از این رومجبوریم جمعه هم کار کنیم. من ۸ سال است که در این جا کار می کنم و زن و سه بچه دارم و روزی ۷۵ تومان مزد می گیرم، که کفاف هزینه زندگی را نمی دهد و گاهی هم سرم نیز مجبور است در اینجا کار کند."

کارگر دیگری بنام غلامعباس ذاکری می گوید:

"من هم ۸ سال است که در اینجا کار می کنم. بیشتر کارگران بعلت فصلی بودن کار، هرگاه کار شرکت تمام شود بیکار می شوند و بقیه سال اگر کار گیر نیامد، مجبوریم از جیب بخوریم. او، که روزی ۹۰۰ ریال مزد می گیرد و بیمه نیست، می گوید:

"روزها از بس گونی های پسته را جا می کنم، شبها از درد کمر خواب ندارم."

"با کارگران زن صحبت می کنیم. حدود ۹۸ نفر آنها روزمرد هستند و روزانه ۳۰۰ ریال مزد می گیرند و بقیه، در ازای جدا کردن و خندان کردن هر سه کیلو پسته بین ۴۰ تا ۶۰ ریال مزد می گیرند. بین آنها دخترهای کمتر از ۱۶ سال هم فراوان است، که برای کمک به خانواده مجبورند کار کنند. این نمونه ایست از وضع یکی از شرکت های صادرات پسته. این کارگران چشم امید خود را به دولت انقلاب دوخته اند، تا جلوی استثمار شدید سرمایه داران را بگیرد و روابط کار را بهبود بخشد. به علاوه باید از خارج شدن ارز توسط این شرکتها جلوگیری شود و این امر میسر نیست مگر از طریق ملی کردن بازرگانی خارجی.

با برسمیت شناختن انجمن های صنفی کارگری:

ضد انقلاب را از کارخانه برانیم

که دست اندرکار ساختمان قسمت جدیدی از کارخانه سیمان صوفیان تبریز است، به اخراج تهدید شدند و سیزده تن هم اخراج شدند. البته آنان کار خود را ترک نکردند و در حالی که از پشتیبانی سایر کارگران برخوردار بودند، علیه مدیران شرکت شکایت کردند.

در ضمن پیش از آن حقوق سه ماه کارگران به تعویق افتاده بود و مقارن اخراج این سیزده تن، حقوق یک ماه کارگران پرداخت شد. همزمان با بالا رفتن شکایت دسته جمعی کارگران، حقوق یک ماه دیگر نیز به آنان پرداخت شد. جالب اینجاست که بهانه عدم پرداخت دستمزد کارگران این است که کارخانه سیمان به شرکت پول نمی دهد! البته عناصر ضد انقلابی نیز در میان کارگران دست به تبلیغات زدند. این عناصر که بویژه و بطور عمده ماژوریتها بودند، کارگران را تشویق کردند تا در سطح شهر راه پیمایی کنند. اگر هشیاری کارگران در کار نبود، این جو برانگیخته می توانست خطرات جدی داشته باشد.

نکته همین جاست که همیشه خود کارگران، با تحمل مشکلات و با مبارزه پیگیر، راه را بر سوء استفاده ضد انقلاب بسته اند.

مثلا مدیر عامل پالایشگاه تبریز اخیراً بدون مشورت با شورای پالایش، اطلاعیه ای صادر کرد که مطابق آن به هر یک از کارکنان پالایشگاه یک بشکه نفت در مقابل پرداخت فقط صد پونجه تومان، داده خواهد شد. در این جا شورای کارکنان این "امتیاز ویژه" را رد کرد. از نظر شورا، در شرایطی که اکثریت مردم با کمبود مواد سوختی مواجه اند، این کار عادلانه نیست. هر چند که دادن این میزان سوخت به خانواده کارکنان همه ساله صورت می گرفته، ولی در شرایط کنونی وضع به گونه دیگری است.

بهر حال این تصمیم و اقداماتی نظیر آن، آگاهانه یا ناآگاهانه و از روی حسن نیت، عوارض نامطلوب زیر را بوجود می آورد:

الف - ایجاد اختلاف و دودستگی بین کارکنان واحدها،
ب - دادن یک امتیاز ویژه به کارکنان یک واحد در یک منطقه و ایجاد ناخوشایندی در واحدهای مشابه دیگر،
ج - جدا کردن کارکنان این واحدها از سایر مردم شهر.

می بینیم که زحمتکشان واحدهای تولیدی چشم بیدار انقلاب و یاور همیشگی آن هستند. این تجارب باید عبرت آموز همه مسئولین انقلابی باشد، تا در رفع دشواریها خود را تنها ندانند و کار را دشوارتر از آنچه هست، نیابند. واقعیت این است که کارگران قهرمان میهن ما - بمنابۀ پیگیریترین نیروی ضد استکبار و ضد ظلم و ستم طاغوتیان - همواره، بی کمترین چشم داشت، در لحظه حساس به میدان آمده اند و تا آخر کار مانده اند. این نیروی شکستناپذیر را باید به حساب آورد و بسود آرمان های مردمی انقلاب بکار گرفت.

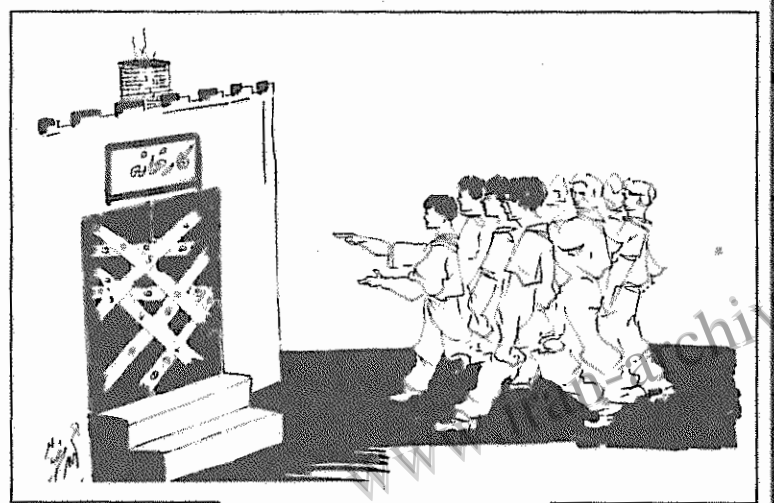
خنثی کردن توطئه ضد انقلابیون و جبران اشتباهات و برطرف کردن دشواریهای واحدهای تولیدی، پیش از همه از عهده کارگران ساخته است. خواه مدیران طاغوتی و لیبرال، خواه عناصر بی لیاقت و اشتباه کار و ناراضی - تراش، خواه ضد انقلابی که در لباس چپ نمایی سعی در ایجاد تشنج دارد، همه را می توان با تشکل های کارگری منفرد کرد. تجربه دو ساله اخیر - بویژه - راهی جز این به ما نشان نمی دهد.

صنفی کارگری از سوی دیگر، حلقه پیوند محکمی را بوجود خواهد آورد، که ضد انقلاب یارای درهم شکستن آن را نخواهد داشت. پس با شناختن هدف اصلی ضد انقلاب، باید همه کوششها را در راستای خنثی کردن آن بکار گرفت. وزیر صنایع و معادن در سمینار بررسی مشکلات مدیران صنایع، که اخیراً برگزار شد، در مورد پرداخت حقوق و وام به واحدهایی که تولید ندارند، سخن گفت و از جمله نتیجه گیری کرد که:

"اگر واحدی تولید نکند، باید تعطیل شود." (کیهان ۲۰ دی ۵۹) این گفته آقای وزیر صنایع و معادن نمی تواند با تأیید کارکنان زحمتکش و انقلابی واحدهای مورد بحث همراه باشد، زیرا معنای آن این است که کارگران واحدها بیکار شوند و یکا مکان تولیدی بکلی از گردونه خارج شود. می دانیم که هر واحد تولیدی امکانات معینی برای تولید و رفع نیازهای خاصی از جامعه دارد و بنابراین، بویژه در شرایط کنونی، این امکانات نخست باید پاسداری و تحکیم کرد، آنگاه درصدد گسترش آن ها برآمد.

فعالیت تخریبی ضد انقلاب در کارخانه ها همچنان بویژه هم اکنون، در جریان توطئه هفتم امیرالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خطری جدی است. ضد انقلاب بطور عمده در واحد های تولیدی زیر پوشش های گوناگونی عمل می کند: در مقام کارفرمایان طاغوتی و مدیران لیبرال، در میان کارگران و کارکنان زیرمادگی و شکل های گوناگون دیگر. اما در میان این ظاهر متنوع، آنچه که ماهیت فعالیت ضد انقلاب را نشان می دهد، همانا عمل واحد آن، منتهی همراه با نوعی تقسیم کار است.

هدف این است که ظرفیت تولیدی مبین انقلابی را نابود کنند. یعنی کارخانه ها را به تعطیل کشاند و طبقه کارگر را از "خانه" خویش به خیابان ها برانند و در برابر انقلاب قرار دهند. اما این کار مستلزم انواع زمین سازیهاست. از بین بردن وسایل و فروش دستگاهها و لوازم، اخلاص درکار تهیه مواد مصرفی کارگاهها، یکی از شیوه های شناخته شده فعالیت ضد انقلاب است. در این زمینه محاکمه



ضد انقلاب می خواهد کارخانه ها را به تعطیل بکشاند. ما کارگران جلوی این عمل ضد انقلاب را قاطعانه خواهیم گرفت

نداشتن تولید می تواند ناشی از عوامل گوناگونی باشد که باید در مقام چاره جویی و دفع آن برآمد، نه اینکه با مشاهده یک نارسانی در یک زمینه معین، از امکانات واقعی تولیدی چشم پوشید. واحدهایی که تولید ندارند باید با نظارت نهادهای مسئول، بویژه وزارت صنایع و معادن، بکار افتند. نداشتن تولید، اگر ناشی از ضعف یا سوء مدیریت است، باید کارآیی لازم را در اداره کارگاه فراهم آورد. اگر کمبود مواد و وسایل است، باید آنرا تدارک دید. اگر ناشی از فعالیت عناصر ضد انقلاب است، باید آنان را طرد کرد. و در همه حال باید از خود کارگران و نمایندگان آنان درسندیکا و یا شورای کارگاه کمک گرفت. تجربه های پس از انقلاب گویای این واقعیت است که سازمان دادن تولید و برطرف کردن موانع از عهده خود کارگران برمی آید، به شرطی که به حمایت مسئولین امر پشتگرم باشند.

اما شیوه دیگر کارشکنی عبارت است از تشدید ناراضی کارگران. این کار به اشکال گوناگون از جمله با اخراج کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد آنان، یا اقدامات خاصی در جهت ایجاد دودستگی میان کارگران، عملی می شود. نمونه های متعددی از این "شگردها" را پیش از این دیده ایم و در جراید فراوان خوانده ایم. با این همه هنوز با آن رو در روییم:

شش تن از کارکنان سابق کارخانه های ایران ناسیونال - که از روز ۱۲ دی ماه ۵۹، در دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آغاز شد - نمونه گویایی است.

این شش تن، که به اتهام زمین چینی برای فروش لوازم و اجناس دولتی موجود در کارخانه به قیمتی چندین برابر کمتر از قیمت واقعی آن محاکمه می شدند، سمت های مدیریت فروش کارخانه، عضویت هیات مدیره شرکت تهیه و توزیع لوازم بدکی، مدیر انبار این شرکت و... را دارا بوده اند. در این مورد یکی از اعضا هیات مدیره ایران ناسیونال در دادگاه گفت: "چنانچه لوازم مذکور از کارخانه خارج می گردید، تهیه این لوازم برای شرکت بزرگی امکان پذیر نبود و مسلماً مدتی بطول می انجامید. لوازم مذکور تمامی موجودی انبار بوده است و بالطبع نبودن این لوازم در شرکت اثر نامطلوب در وضع درخواست نمایندگان و مصرف کنندگان می گذاشت."

به وضوح می توان عواقب توطئه فوق را پیش بینی کرد. و این فقط یک "چشمه" از شعبه بازی عناصری است که می کوشند تا هر جا می توانند انقلاب را تضعیف کنند، و البته چه جایی مهم تر و بهتر از کارخانه ها، که شریان حیاتی کشور هستند.

چگونه می توان چنین توطئه های را خنثی کرد؟ در یک کلام باید گفت که به همت خود کارگران و البته از طریق انجمن های صنفی کارگری، (سندیکاها و شوراهای) هشیاری کارگران انقلابی از یک سو و اعتماد مسئولین به انجمن های

دولت باید در مبارزه با ضد انقلاب بر خوردهای جدی داشته باشد

چهار ماه است که کارگران شرکت های خصوصی نقاط جنگنده حقوق دریافت نکرده اند.

رفت حتی یک گلیم زیر پاپا ریم باقی نمانده است، تا با فروش آن چند روزی را امرار معاش کنم، اداره کار هم تا کنون به وضع ما رسیدگی نکرده است."

در این وضع بحرانی ضد انقلاب هم بیکار رنشته و به پراکندن تخم بدبینی در بین کارگران و ایجاد تشنج و درگیری در نقاط جنگی مشغول است. از جمله میتوان از فعالیت هواداران گروهک ماژوریت - آمریکا ای "بیکار" نام برد. این افراد دائماً کارگران بیکار را علیه انقلاب تحریک می کنند و تشنج می آفرینند.

مسئولین امر با دیده وضع کارگران بیکار - بخصوص کارگران نقاط جنگ زده - هر چه زودتر رسیدگی کنند، اگر شرکت مربوطه قادر به پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران نیست، دولت خود شخصاً باید مسئولیت اینکار را بر عهده گیرد. همچنین دولت باید با تدبیر و هوشمندی با برخوردی جدی داشته باشد و فعالیت ضد انقلابی آنها را خنثی کند.

از زمان حمله تاج و زکارانه رژیم چناییتکا رسد ما به خاک میهن ما، بیش از چهار ماه می گذرد در این مدت عده ای از هم میهنان ما، بخصوص آنهایی که در دوشهر آبادان و خونین شهر سکونت داشتند، تمام هستی خود را از دست داده و اجباراً آواره شهرهای دیگر شده اند. در این میان، زحمتکشان، بخصوص کارگران ساکن این شهرها، که از هستی ساقط شده اند، تنها محل امرار معاش خود را از دست داده اند و چون پس اندازی هم ندارند، بنا بر این به ناچار شب محتاجند. برخی از شرکت های خصوصی واقع در شهرهای خونین شهر و آبادان و بندر امام خمینی، از زمان شروع جنگ تحمیلی امیرالیسم آمریکا به میهن ما تا کنون، حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند. از جمله میتوان از شرکت های: خدمات دریایی خلیج، شرکت ساختمانی پیش ساخت و شرکت کامیونسی اپر تون نام برد. یکی از کارگران شرکت خدمات دریایی خلیج می گفت:

"حاصل چندین سال کارم در این جنگ خانما نسوز از بسین

طبقه کارگر ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

حل بسیاری از مسائل روستاها در گرو تشکیل و فعالیت جدی شورای ده است. در بسیاری از روستاها، که شورا درست شده و مردمی عمل می‌کند و از همکاری نهادهای انقلابی بهره‌جویدار است و توانسته است همه...

اهالی را متحد کند و به‌همیاری بکشد، خلی‌کارهای مثبت انجام شده است. در خلی از روستاها هم مسائل فراوانی از تعیین دو نماینده محلی هیئت ۷ نفری گرفته، تا مسائل عمرانی ده، سرم اختصاص می‌دهیم.

اعضای شورای ده فارمد (پرمه) در خراسان سخن می‌گویند:

خلاف کاراست، چرا دولت جلو - گیری نمی‌کند. خودشان بساید کار خودشان را اصلاح کنند. چرا ما صبح تا شب با یارها مسردم گرفتاری داشته‌ایم. این شورا تشکیل شده برای رسیدگی به کار مردم، اما جزنا را حتی، جز گرفتاری هیچ چیز برای من ندارد، از دو طرف یکی اینکه مردم در مقابل شورا قرار داده‌اند، چون جنس کافسی در اختیار شورا نمی‌گذارند. دیگر اینکه شورا قدرت با شد و شورا حرفش خریدار داشته باشد، چندبار می‌خواستیم استعفا دهیم، قبول نکردند.

در ۱۸ کیلومتری شهر مشهد، واقع در جاده سیمان، روستای فارمد (پرمه) با جمعیتی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ خانوار قرار دارد. این روستا دارای یک دبستان ابتدایی و یک مدرسه راهنمایی است. شورای ده با مشکلات زیادی درگیر است.

عبدالله کبرزاده، رئیس شورای ده چنین می‌گوید: "در مورد کارشورا، که مسئولیتش به عهده ماست، گرفتاریهای زیادی هست که ما باهاش درگیری داریم. یکی از طرف بعضی از شاخص کسه در داخل ده هستند، عده‌ای معدود هستند که نسبت به کارها کارشکنی می‌کنند، یعنی نمی‌گذارند مردم به میل خودشان کارشان را انجام دهند."

وی سپس می‌افزاید: "از نظر آب گرفتاری زیادی داریم، حتماً نیمه کاره است و هنوز تمام نشده. وسائل بهداشت هم نداریم."

حسین خانی، عضو دیگر شورا می‌گوید: "ده ده حتماً دارد، یکی نیمه کاره (به علت کمبودهای مالی - که حتی اهالی در ساختن نیمه تمام آن اشغالها یشان را ریخته بودند) و یکی هم خزینه است که تمام مردم بخاطر آن، دارای امراض زیادی می‌شوند."

اومی‌گوید: "از نظر زمین عده‌ای دست به دست هم داده‌اند، زمینها را می‌فروشند و عده‌ای آفتاب نشین هستند و دستشان دراز است. همین زمینداران، بنام معتمد، زمینها را گرفته‌اند و می‌گویند ما کشاورزیم زمینها را به دیگران می‌فروشند."

رئیس شورا در توضیح این مطلب می‌گوید: "مشکلات زیاد است، مقامات دولتی به وضع اینجا رسیدگی نمی‌کنند. ما تا ماه‌های زیادی داده‌ایم، ولی جز دوندگی و امروز بیا، فردا بیا، چیزی توش نبوده، از نظر آب و حما، ما به نیاز اهالی ده، از نظر پودر، قند، روغن، و... مثلاً، حواله برای هزار خانه را به ما می‌دهند، که بروید و سائل لازم را می‌دهند، وقتی که کالاها را از قسمت‌های مسئول می‌خواهیم، فقط نمش را می‌دهند، یک سری برای این ده سلب (روغن) می‌دهند، یک سری ده سلب، هیچ حسابی ندارد، مسئله مهم این است که ما بفهمیم این کارشکنی از کدام دستگاه است، که خواروبار را باید در اختیار مردم بگذارد، اگر او

باشورای ده و وظایف آنها آشناشویم

از سوی دیگر شورای ده از حمایت و مشارکت دهقانان برخوردار می‌شود و با تکیه بر آنها، فعالیت خود را سازمان می‌دهد و یکک و همیاری آنها برنامه‌های خود را بانجام می‌رساند.

مسئولیت شورای ده کدام است؟

مسئولیت‌ها و اختیارات شورای ده بویژه دو عرصه اساسی را دربرمی‌گیرد:

- ۱- امور مختلف تولیدی، عمرانی، فرهنگی و اداری ده،
- ۲- امور مختلف حفاظت و امنیت محیط زیست.

رسیدگی به این امور باید طبق نظر و رای اهالی ده باشد و مصالح عمومی منطقه و کشور را در نظر گیرد. شورای ده برای انجام امور ده، براساس تبادل نظر و شور، تصمیم می‌گیرد و با بهره‌گیری از اختیارات و امکانات فنی، مالی و اداری، که توسط ارگان‌های بالاتر در اختیار شورای ده قرار داده شده است، تصمیمات خود را به اجرا می‌گذارد و برای این اجرا، خود دهقانان را بسیج می‌کند و از نیرو و همیاری و مشارکت آنها استفاده می‌کند.

اجرای تصمیمات اتخاذ شده و رسیدگی به امور تولیدی، عمرانی، فرهنگی و اداری ده، با کمک سازمان‌های مربوطه، اعم از دولتی یا نهادهای انقلابی و خود دهقانان انجام می‌گیرد. از این جهت همکاری مستقیم، همه جانبه و تنگاتنگ شورای ده با کلیه نهادهای انقلابی: جهاد سازندگی، سپاه پاسداران، هیئت‌های هفت نفری

روستاها ما، پس از انقلاب، با یک نهاد انقلابی دوران ساز، شورای ده، غنی شده‌اند. اکنون که مسئله ساختمان نظام نوین جمهوری و بازسازی همه جانبه دهات کشور مطرح است، لازمست یکبار دیگر بطور خلاصه به وظایف شورای ده و هدف از تشکیل آن اشاره کنیم، تا ضرورت ایجاد آن در کلیه روستاها، با شرکت همه روستائیان، معلوم گردد.

شورای ده چیست؟

شورای ده کوچکترین جزء نظام شورایی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت وجود آن تأیید شده و به تصویب رسیده است. هدف از ایجاد شورای ده، اداره امور ده و تأمین مشارکت مستقیم خود دهقانان در آن است. بطوریکه هم در اتخاذ تصمیم و تبادل نظر سهم باشند و هم در اجرای آن.

شورای ده در واقع، مطابق قانون اساسی، بخشی است از نظام حکومتی کشور. یعنی شورای ده در سطح روستا یک ارگان با وظایف دولتی است و باید اختیارات و امکانات شایسته را برای انجام وظایف خود داشته باشد.

بنابراین شورای ده، از یک سو توسط خود دهقانان مستقیماً انتخاب می‌شود و از سوی دیگر ارگانی با وظایف دولتی است. شورای ده از یک سو مسائل و اختیارات و بودجه لازم را از مقامات دولتی مربوطه دریافت می‌کند و وظایف اختیارات و مسئولیت‌های این ارگان طبق قانون، برای سراسر کشور تعیین می‌شود.

توطئه فتودالها در «چشم کلگه» علیه شورای ده و اتحاد دهقانان

بر اثر اقدامات هیئت هفت نفری و افراد مسئول جهاد سازندگی و سپاه پاسداران، زمینهای چند فتودال در ده «چشم کلگه»، یکی از دهات اطراف هندجیان گرفته شده و به دهقانان واگذار گردیده است. دهقانان هم برای پیشبرد کار کشاورزی و تسلط کامل بر زمینها، اقدام به تشکیل شورای ده کرده‌اند.

این اقدامات انقلابی باعث شده است که فتودالها بر دامنه فعالیت خود علیه دهقانان بیافزایند. آنها به منظور ضرر زدن به شورای دهقانان، افراد وابسته به خود را به میان دهقانان فرستاده‌اند. و دامنه تفرقه و تشنج را گسترش داده‌اند. فتودالها گریه‌ها بدیده‌اند و به دهقانان می‌گویند: زمینهایی که شما غصب کرده‌اید از نظر قوانین اسلام حرام است و شما با یستی زمینها را به ما پس



(امام خمینی گفتند: ما کوخ نشینان انقلاب کردیم)، به‌ما زمین بدهید

دار «چین سبلی» تشکیل شورای مردمی ده ضروری است

منطقه غمبی است، ولی حتی ۲۰٪ هم از زمینهای آنها گرفته نشده است و فتودالها به ایجاد رعب و وحشت و اختناق در ده پرداخته و به استخفاف چندین چماق در متوسل شده‌اند، بطوری که بعضی از اهالی از گفتن حقایق به ما موران و ونها های انقلابی در حضور مزدوران اربابان وحشت دارند و نمی‌توانند شکایت خود را به ما مورین دولت اظهار کنند. نویسندگان ما به تقاضا کرده‌اند که ما مورینی برای تحقیق و رسیدگی به وضع ده و کارهای شورای موجود، با حضور اهالی، اعزام شود، تا واقعیت معلوم گردد.

امیدواریم که روستائیان «چین سبلی» وسایر نقاط کشور، با کمک نهادهای انقلابی، از قبیل هیئت‌های هفت نفری و جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و ادغام ده‌های انقلاب، بتوانند شورای واقعی و مردمی خودشان را تشکیل بدهند و خودشان در تنظیم برنامه و نظارت بر عمل آنها مشارکت مستقیم داشته باشند و شورای ده واقعاً یک نهاد مردمی متعلق به دهقانان و مدافع انقلاب باشد.

عده‌ای از اهالی روستای «چین سبلی»، از توابع بخش «تی قلا»، طی نامه‌ای به نهادهای انقلابی گنبدو گرگان، خواستار شورای واقعی، که نماینده مردم ده باشد، و رسیدگی به سوء استفاده‌های مالی قبلی شده‌اند. از مطالب نامه معلوم می‌شود که با یه نظر جدی دهقانان بر کار شورای ده همیشه برقرار باشد و جلوی هرگونه کار خلاف و برداشتن پول از بیت‌المال و اموال مردم گرفته شود. دادن صورت حساب به مردم و گزارش کارهای انجام شده، از وظایف حتمی شورا است. از مطالب نامه برمی‌آید که با یه دقت کامل می‌باید شود، تا سود شخصی اعضای شورا، بالاتر از منافع جمعی تمام ده قرار نگیرد. با یه اید ملاک زمینهای فتودالها به خود درست به دهقانان تهیدست داده شود و آنچه از موسسات دولتی و بانکی و نهادهای دولتی گرفته می‌شود، به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و تولیدکنندگان داده شود و چیزی به حساب شخصی ریخته نشود.

در نامه یادآوری می‌شود که ملاک بعضی از فتودال‌های

وام‌های کشاورزی را بصورت جنسی و خدماتی بموقع و بطور جمعی، به شورای ده و به تعاونی‌ها برسانید.

به سلطه شرکتهای چندملیتی و وضع نابسامان تولید و توزیع دارو در کشورمان پایان دهیم

در همه رشتههای صنعتی، نیازمند تامین استقلال و پیشرفت سریع هستیم. در رشته صنایع دارویی نیاز فوری به چنین کاری داریم. به سلطه شرکتهای چندملیتی بر صنایع دارویی کشور باید هرچه زودتر پایان داد. صنعت داروسازی باید از دست سرمایههای غارتگر خارجی و داخلی، واردکنندگان و توزیع کنندگان بخش خصوصی نجات یابد. تولید و توزیع دولتی دارو تنها راه دسترسی به تامین نیازهای دارویی در سطح روستا و شهر است. تریبیت کادر داروپزشکی از اهمیت ویژه برخوردار است.

ما می توانیم و باید در زمینه تولید داروهای اساسی هرچه سریعتر به خودکفایی برسیم. وابستگی به واردات دارو از خارج و سلطه سرمایههای انحصاری خارجی و داخلی بر این صنعت مهم، متناقض با هدفهای تامین استقلال اقتصادی، تامین بهداشت و سلامت جامعه است. به این وابستگی باید پایان داد.

نقش خرابکارانه سرمایههای انحصاری و وابسته در صنایع داروئی کشور

وابستگی کشور ما به واردات دارو از خارج و سلطه انحصارات چندملیتی بر صنایع داروسازی کشور، همچنین آزمندی سرمایه داران واردکننده و توزیع کننده دارو، از عوامل مهم عقب ماندگی ما در این صنعت مهم، موجب غارت عظیم ثروت ملی و عقب ماندگی بهداشت جامعه بوده است. کافی است خاطر نشان سازیم که در سالهای تسلط رژیم طاغوت، طی همین ربع قرن اخیر، هرساله دهها میلیارد ریال ثروت و درآمد کشور مایهت واردات دارو از خارج، به گاروندوق انحصارات امپریالیستی سرازیر می شد. مردم ایران بطرز وحشتناکی از این معبر غارت می شدند و اجبار داشتند که به قیمت بسیار گران فروخته می شده، تسلیم انحصارات امپریالیستی داروئی و نمایندگان ایرانی آنها کنند.

انحصارات چندملیتی امپریالیستی، حتی زمانی که در داخل اقدام به سرمایه گذاری در تولید دارو شد، از نفوذ در این رشته مهم صنعتی غافل نماندند. تحت عنوان تاسیس کارخانههای داروسازی، آنها عملاً مانع از رشد سرمایههای ملی در این زمینه شدند. صنعت داروئی کشور را به صنعت موتاژ دارو بدل ساختند و کارخانجات

داروسازی ایران را به شعبات وابسته بخود تبدیل نمودند. نتیجه این کارشکنیها آن شد که اکنون در صنعت داروئی ایران، سرمایه داخلی فقط ۱۰ درصد تولید دارو را بعهده دارد و ۹۰ درصد بقیه صنایع زیر سلطه انحصارات چندملیتی است. رقم دیگری که وضع فلاکت بار سلطه سرمایههای امپریالیستی و وابسته را بر صنایع داروئی کشور نشان میدهد اینست که، پس از قریب نیم قرن از آغاز ایجاد اولین واحدهای تولیدی صنعتی داروئی در کشور ما، بیش از ۷۲ درصد مصرف دارو با واردات از خارج تامین می گردد و مجموعه کارخانههای داخلی فقط ۲۸ درصد مصرف را تامین می کند.

سلطه انحصارات چند ملیتی و سرمایههای خصوصی وابسته به آن بر واردات و صنایع داروئی کشور در دوران سلطه طاغوت، باعث گردید که کشور ما به ویرترین داروئی جهان سرمایه داری تبدیل گردد. در بازار داروئی ایران هزارها رقم داروئی مشابه عرضه می شد، که فقط نام آنها با یکدیگر اختلاف داشت. این امر سردرگمی عجیبی در پزشکی بوجود آورده بود و به علاوه اختلالات جدی در امر بهداشت و معالجه ایجاد می کرد. یک چنین وارداتی خود زمینه پست فسادکنندگی

پزشکان سوچو و تبدیل آنان به مبلغین مصرف داروهای انحصارات خارجی شده بود. چندملیتیها با توسعه سلطه خود بر واردات دارو و صنایع داروئی در داخل، مانع از تولید مواد اولیه دارو در کشور بودند، از آگاهی تکنیک واقعی داروسازی به ایران خودداری می کردند، از ساخت داروهای اساسی در ایران امتناع می ورزیدند و خلاصه کلام، صنعت داروئی ایران را بصورت صنعتی تابع متابع امپریالیستی و غارتگرانه خود در آورده بودند.

کارشکنی انحصارات چندملیتی در امر تامین داروئی کشور منحصر به دوران قبل از انقلاب نیست. پس از انقلاب، شرکتهای چندملیتی امپریالیستی از عوامل عمده محاصره داروئی کشور ما هستند. اینها و عوامل وابسته شان در داخل کشور، هر چه و مرجع داروئی و حتی احتکار دارو و وسیله در فشار گذاشتن دولت انقلاب قرار داده اند. جالب اینکه، انحصارات چندملیتی دول امپریالیستی، که شامل یک دوجین از عمده ترین انحصارات دول غربی نظیر: بایرفایزر، هوخست، برلیمه، پاکستر، ارگانون، پارک دویسی، مرک لدرلی، سویتران، اسکوتیب، نپان شیمی، لوتیو شیمیکی می گردد، از عوامل عمده تحریم داروئی ایران از جانب دول متبوع خود: آمریکا، انگلستان،

آلمان غربی، فرانسه و غیره به ایران هستند. با چنین وضعی، شاید تصور عمومی این باشد که از همان ابتدای انقلاب تسلط انحصارات چند ملیتی و سرمایههای وابسته ایرانی بر واردات دارو و صنایع داروئی کشور خاتمه داده شده است. متأسفانه چنین نیست. مسئولین وزارت بهداشتی همین هفته قبل اطلاع دادند که، اولاً تنها در خردادماه ۵۹، یعنی یکسال و نیم پس از پیروزی انقلاب، مدیریت کارخانجات چندملیتی داروئی در اختیار دولت قرار گرفته؛ و ثانیاً تا همین امروز هم از انحصارات امپریالیستی و سرمایههای خارجی و داخلی، که «اسلحه» دارو را علیه انقلاب ایران بکار می برند، خلع ید بعمل نیامده و سرمایههای آنها ملی نشده است. در این مورد، عدم اقدام قاطع از جانب دولت را یا هیچ کلامی، جز با کارشکنی عناصر لیبرال طرفدار تسلط سرمایه خارجی و سرمایههای غارتگر بر صنایع داروئی و واردات آن نمی توان توضیح داد. شبیه نیست که در صورت انجام این امر مهم جسای کمترین تردیدی نیست و خلع ید و ملی کردن صنایع داروئی کشور هر چه سریعتر باید انجام گیرد.

ضرورت تامین استقلال و خودکفایی در صنعت داروسازی

ما در کشور خود برای حل مسئله بهداشت عمومی و توسعه آن بر سراسر روستاها و شهرها، تامین درمان همگانی و مجانی، احتیاج به تولید ارزان و فراوان دارو داریم. همچنین برای تسهیل کار پزشکان و تدارک سریع کادرهای پزشکی در زمینههای مختلف، محتاج پایان دادن به هر چه مرجع داروئی و یکسان کردن ترکیب و نام داروهای مشابه هستیم، که فعلاً با صدها نام مختلف عرضه می شود. به علاوه، احتیاج به آن داریم که در تولید دارو، به استفاده از امکانات داخلی تکیه کنیم و مواد اساسی داروئی را در کشور خود بسازیم. ایجاد صنایع داروئی پیشرفته، قائم به استفاده از امکانات داخلی و غیر وابسته به خارج، از ضروریات زندگی امروز و فردای جامعه انقلابی ایران است. به این دلایل، سرعت و بدون کمترین درنگی باید به سر و سامان دادن به وضع صنایع داروئی کشور، رهائی آن از تسلط سرمایههای انحصاری امپریالیستی و سرمایههای آزمند داخلی بپردازیم و تولید و توزیع دارو را ملی و دولتی کنیم.

طبیعی است که نیل به این هدفها زمان

لازم دارد. اما هم اکنون نیز ما قادر هستیم که با تمرکز امور داروئی کشور در دست دولت، ملی کردن واردات دارو از خارج و توزیع عمده آن، تمرکز صنایع داروئی کشور در بخش دولتی اقتصاد، کمک گرفتن از کشورهای دوست و بی طرف، که نه تنها کشور ما را در محاصره داروئی قرار نداده، بلکه کمک همهجانبه ای در این امر اقدام کرده اند، و اقدامات نظیر، قدمهای جدی در راه تامین استقلال و خودکفائی نسبی در امر تولید و تامین دارو برداریم.

پیشنهادهای جالب مسئولین وزارت بهداشتی که بدرستی خواهان خلع ید از سرمایههای خارجی و داخلی وابسته در امر تولید و توزیع دارو هستند، ملی کردن شرکتهای داروسازی چند ملیتی را ضروری می شمارند و ضرورت توزیع دارو در سراسر کشور بوسیله شرکتهای دولتی و یا وابسته به آن را خاطر نشان می سازند، باید مورد توجه جدی مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و سریعاً به اجرا درآید.

همانند، در زمینه کادر پزشکی و پرستاری، در زمینه کادر داروپزشکی و متخصصینی که باید به کارهای علمی و عملی تولید و تحویل دارو به مردم بپردازند نیز عقب ماندگی شدیدی از رژیم طاغوت به جامعه ما به ارث رسیده است. با آغاز بکار و توسعه مراکز آموزشی کشور در این زمینهها، باید هر چه سریعتر عقب ماندگی خود را از لحاظ کادرهای پزشکی و داروپزشکی و نظائر آن جبران کنیم و حتی موجبات تشویق متخصصین ایرانی میهن دوست را برای بازگشت به کشور فراهم آوریم.

ما در زمینه تولید دارو در داخل امکانات وسیعی داریم. به علاوه، در جهان امروز امکانات زیادی برای ایجاد صنایع مستقل داروئی، که کشور را بی نیاز سازد، وجود دارد. بدون فوت وقت باید از کلیه این امکانات هر چه وسعتی بهره برداری کنیم و مسئله مهمی نظیر تامین استقلال و خودکفائی در صنعت داروئی را پس از انقلاب و تحکیم مواضع آن حل کنیم. وابستگی به واردات داروئی از خارج، حفظ سلطه سرمایههای غارتگر و طفیلی امپریالیستی و سرمایههای وابسته بر صنایع داروئی کشور، متناقض با هدفهای تامین استقلال اقتصادی و تامین بهداشت و سلامت جامعه است. به این وابستگی می توان و باید هر چه زودتر پایان داد.

فدراسیون بین المللی حقوقدانان دمکرات را بشناسیم

"فدراسیون بین المللی حقوقدانان دموکرات" سازمانی است غیر دولتی، که حقوقدانان بیش از ۵۰ کشور در آن عضویت دارند. این سازمان خود عضو مشاور "شورای اقتصادی و اجتماعی" سازمان ملل متحد است.

"فدراسیون بین المللی حقوقدانان دموکرات" در پائیز ۱۳۲۹ در پاریس تاسیس یافت. هدف آن عبارتست از در اختیار گذاشتن حقوق در خدمت حفظ صلح و همکاری میان خلقهای جهان، پیشبرد حق استقلال ملل و پاسداری از حقوق و آزادیهای دموکراتیک. از جمله وظایف "فدراسیون" عبارتست از تشکیل کمیسیونهای رسیدگی و اعزام ناظران حقوقی به دادگاههای سیاسی، عالی ترین ارگان "فدراسیون" کنگره است، که هر سه سال یکبار تشکیل می شود. این سازمان همچنین دارای کمیسیونهای ویژه ای برای رسیدگی به مسائل حقوقی همزیستی مسالمت آمیز، امنیت اروپا، قوانین جزایی و مناسبات فرهنگی و غیره ریاست "فدراسیون بین المللی حقوقدانان دموکرات" را اینک جوتوردمن (فرانسه) بعهده دارد و دبیرکل آن پروفیسور دکتر گرهارد اشتوبی (جمهوری فدرال آلمان) است.

امپریالیسم آمریکا در تدارک روی کار آوردن یک رژیم ارتجاعی در کستاریکا است

مسئله مسکن نام برد. علاوه بر این، "پوئبلو اونیدو" خواستار آن است که انحصارهای امپریالیستی و بازرگانی خارجی ملی شود. برزیدنت رودریگو کاراسو، هنگامی که دوسال و نیم پیش زمام امور را به دست گرفت (وی نامزد ائتلافی مرکب از چهار حزب بورژوازی محافظه کار بود)، قولهای فراوانی به مردم داد. وی از جمله متعهد شد که با چپاول ثروت ملی کستاریکا از سوی سرمایه داران خارجی به مقابله جدی بپردازد و از این ثروت برای بهبود اقتصاد ملی، بسود عدالت اجتماعی و علیه فئودالیسم، بهره جوید. اما چنانکه حتی روزنامه های بورژوازی اذعان دارند، دولت رودریگو کاراسو نه تنها به این تعهدات خود عمل نکرده، بلکه به وخامت اوضاع نیز دامن زده است، به طوری که آهنگ تورم چهار برابر شده و به ۲۵ درصد رسیده است.

تضادهای اجتماعی کستاریکا هر دم عمیق تر می شود. پس از آنکه قیمت کالاها و شیره گوشت به ابعادی بی نظیر رسید، اوایل پاییز امسال، قیمت برق ۶۰ درصد و قیمت آب آشامیدنی ۲۰ درصد افزایش یافت. از سوی دیگر، بیکاری همچنان وسعت می یابد و مسئله مسکن حادث تر می شود. در این میان، اعتصابات کارگری وسعت می یابد. در این زمینه، باید بویژه به اعتصابات کارگران پلانتازهای موز کسرنهای آمریکایی "یونایتد

کند. مورا والورده خاطر نشان می سازد که هم اکنون ۳۰۰ تن از افراد گارد ملی دیکتاتور سوموزاد کستاریکا سرب می برند. حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا هم کمیونست ها، احزاب دمکراتیک و سازمانهای توده ای را فراخوانده است که با اتحاد خود دسیسه های ارتجاع را عقیم سازند و اجازه ندهند که بار سنگین بحران اقتصادی کستاریکا به دوش زحمتکشان این کشور افتد. به عقیده "حزب"، "پوئبلو اونیدو" ("خلق متحد")، که سه سال پیش، پس از ائتلاف احزاب چپ کستاریکا، پدید آمد، می تواند پایه ای برای تشکیل جبهه ای وسیع برای دفاع از دمکراسی و حقوق اجتماعی مردم کستاریکا باشد. "پوئبلو اونیدو"، که فزون بر حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا، حزب سوسیالیست و جنبش انقلابی خلق را دربر می گیرد، از انتخابات سه سال پیش تاکنون، دارای سه نماینده در کنگره است.

"پوئبلو اونیدو" هم اکنون برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده نامزد مشترک خود را معرفی کرده است. این نامزد رودریگو گوتیرز سائس است، که در کستاریکا بعنوان پزشک و سیاستمدار مترقی معروف است. "پوئبلو اونیدو"، در برنامه خود، خواهان مبارزه برای دفاع از حقوق دمکراتیک، حاکمیت ملی و منافع زحمتکشان است. از دیگر خواستهای "پوئبلو اونیدو" می توان از تامین حق کار، بهبود شرایط زندگی مردم و حل

کستاریکا را اغلب "باغ آمریکای مرکزی" می خوانند. چه، این کشور، از یک سو، دارای طبیعتی بس زیباست و، از سوی دیگر، تاکنون از تنوع تعادل نسبی نیروهای گوناگون سیاسی برخوردار بوده است. اما چندی است، که اوضاع این کشور، که ۵۰۷۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۱/۱ میلیون نفر جمعیت دارد، رو به ناآرامی می گراید. در ماههای اخیر کوشش می شود تا با کارزار تبلیغاتی ضد کمیونستی و ضد شوروی، شرایط کودتایی ارتجاعی، در کستاریکا پدید آید. هدف آنست که ثبات نسبی روند بورژوازی دمکراتیک برهم زده شود و با نفوذ فزاینده نیروهای چپ و سندیکاها مقابله گردد.

آخرین پلنوم کمیته مرکزی "حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا" - حزب کمیونست این کشور - که از پنج سال پیش بار دیگر فعالیت علنی خود را از سر گرفت، اوضاع کشور را ارزیابی کرد. چندی پس از این پلنوم، مانوئل مورا والورده، دبیرکل کمیته مرکزی حزب پیشاهنگ خلق کستاریکا، در مقاله ای در "لیبرتاد" ارگان "حزب"، نوشت که اوضاع داخلی کستاریکا سرعت به وخامت گراییده است. به گفته وی، نیروهای راستگرای افراطی دسیسه می چینند، تا با به روی کار آوردن رژیم ارتجاعی "نیروهای چپ را غیر قانونی اعلام کنند و سندیکاها را کارگری را منحل سازند." مقاله نامبرده می افزاید که الیکارشی کستاریکا می خواهد، همخوان با منافع امپریالیسم آمریکا، "کشور ما را به تخت جهشی برای حمله به نیکاراگوئه تبدیل

سازمان حزب توده ایران در سقز: هیچ مانعی نمیتواند سد راه توده‌ای‌ها در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد

به دنبال پاسکاری در اداره تأمین اجتماعی شهرستان سقز و تصفیه یکی از هواداران حزب توده ایران به اتهام سمپاشی و شایعه‌پراکنی علیه نظام جمهوری اسلامی، و تمهید او به مدت سه سال به منطقه خراسان، سازمان حزب توده ایران در شهرستان سقز، نامه‌ای به فرماندهی سپاه پاسداران نوشت. در این نامه از جمله آمده است:

«جای تاسف بسیار است که این چنین راحت و بدون احساس مسئولیت، بیگانه‌ترین یاران انقلاب را مورد بی‌مهری و عتاب قرار دهند. این درست است که هیچ مانعی نمیتواند سد راه توده‌ای‌ها در دفاع از جمهوری نوپیدا اسلامی ایران باشد و این درست است که در مشی انقلابی ما نه با برکناری از شغل و نه تمهید و انتقال که سهل است، بلکه با اعدام و زندان نیز کوچکترین خللی پدید نخواهد شد، ولی وظیفه انقلاب است که دوستان و دشمنان دوست‌نما را بشناسد. ما ضمن محکوم نمودن صدور چنین رای غیرعادلانه و غیر مسئولانه، انتظار داریم که سپاه نقش خود را در چنین مسائلی به روش ایفا کند و اعلامی-داریم که چنین فشارها و تضيقاتی نمیتواند و نخواهد توانست بر مشی اصولی توده‌ای‌ها تأثیر بگذارد.»

گوشه‌ای دیگر از توطئه سراسری ضد انقلاب در دومین سالگرد پیروزی انقلاب

ضد انقلاب در تبریز و شبستردست به تخریب کتابفروشی، کیوسک و نمایشگاه زد.



این هفته در نامه «مردم» بزبان کردی میخوانید:

- تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت دومین سالگرد انقلاب بزرگ و مردمی ایران

- پیام امام خمینی به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب

- نظری به دستاوردهای انقلاب در دو سال گذشته

- دستاوردهای انقلاب که در میان آتش و خون بدست آمده‌اند...

- جشن آراسته خلق در دومین سالگرد انقلاب در سراسر کشور

رزمندگان نیروی...

بقیه از صفحه ۱

قرار دادند. در نتیجه این حمله وحشیانه، ۳ تن از اهالی شهید و ۵۴ تن مجروح شدند.

این اطلاعیه همچنین حاکیست که رزمندگان هوایمانی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران (هوانیروز) در ۲۵ بهمن ماه، مواضع تجاوزگران صدامی را در جبهه آبادان مورد حمله قرار دادند و یک تانک، دو توپ و ۱ خودروی دشمن را منهدم کردند. در جریان این حمله تعدادی از متجاوزین بهلاکت رسیدند و یا مجروح شدند.

بر اساس همین اطلاعیه، صبح روز ۲۵ بهمن نیز، بر اثر اجرای آتش خمپاره‌انداز رزمندگان انقلاب، در یکی از جبهه‌های غرب، یک نفر بر ویلک پست دیده بان دشمن، منهدم شد و حدود ۱۰ نفر از متجاوزین کشته و یا مجروح شدند. همچنین بر اثر اجرای آتش خمپاره‌انداز ۱۰۸ میلیمتری رزمندگان ژاندارمری در جبهه غرب، حدود ۱۵ تن از متجاوزین بهلاکت رسیدند. و تعدادی از سنگرهای انفرادی و گروهی دشمن منهدم شد.

این اطلاعیه همچنین حاکیست که در نبردهای روز ۲۵ بهمن ماه در جبهه‌های جنوب و غرب، ۱۳ نفر از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند و عده‌ای نیز مجروح شدند. در همین اطلاعیه ضمن اشاره به تصرف ارتفاعات تته و پاسگاه ژالانه، تعداد کشته‌شدگان دشمن در جریان این درگیری ۸۰ تن اعلام شده است.

گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه‌های سوسنگرد و مالکیه حاکیست که بر اثر اجرای آتش خمپاره‌اندازهای رزمندگان انقلاب حدود ۲۵ سنگر انفرادی و گروهی متجاوزین در مالکیه نابود شدند و ۲ نفر بر (پهامت) نیز منهدم شد. بر طبق گزارش دیگری، روز ۲۶ بهمن ماه، یکی از مواضع دشمن در محور سوسنگرد - بستان زیر آتش خمپاره‌انداز رزمندگان انقلاب قرار گرفت، که در نتیجه تعدادی از سنگرهای متجاوزین نابود شد و حدود ۲۰ نفر از متجاوزین کشته و یا زخمی شدند. همچنین گزارش دیگری از محور کرخه حاکیست که در همین روز، با آتش توپخانه سنگین رزمندگان ارتش جمهوری اسلامی ایران و دیده‌بانان دلاوران بسیج عشایری یک تانک و یک

شبسترد: حمله به نمایشگاه و کیوسک

عوامل ضدانقلاب در شبسترد نیز در دومین سالگرد انقلاب دست به اعمال خرابکارانه زدند. این افراد به نمایشگاهی که به مناسبت روز تاریخی ۲۲ بهمن برگزار شده بود، حمله کردند و آن را از بین بردند. همچنین به کیوسک آمپد، که به فروش نامه «مردم» می‌پرداخت، حمله کردند و آن را به آتش کشیدند. سازمان حزب توده ایران در شبسترد در این باره اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه از جمله آمده است:

«در شرایطی که خلقهای ایران برای سرکوبی تجاوزات صدام و توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم آمریکا، به اتحاد هر چه بیشتر نیاز دارند و کارزار وسیع تبلیغاتی علیه انقلاب و امام خمینی و علیه نهادهای انقلابی، از طرف بلندگوهای امپریالیستی، ضدانقلاب و نیز لیبرالهای سازشکار و مافوق‌ستهای آمریکائی ایجاد شده است، این گونه اعمال به نفع چه کسانی است و برای چه کسانی خوراک تبلیغاتی فراهم می‌کنند؟»

در قسمت دیگری از این اعلامیه آمده است:

«این اعمال در شرایطی انجام می‌گیرد که ضدانقلاب در جهت اجرای توطئه‌های پرژنیسکی علیه انقلاب و در جهت به آشوب کشاندن کشور، سعی فراوان دارد و در شرایطی که امام خمینی به حق اعلام می‌دارند که امروز آنچه برای ما از همه چیز لازم‌تر است، آرامش است، به وقوع می‌پیوندد.»

اخبار رسیده از شهرستانهای تبریز و شبسترد حاکیست که عوامل ضدانقلاب، که برای ۲۲ بهمن، سالروز انقلاب، توطئه وسیعی را در سراسر کشور تدارک دیده بودند، به یک کتابفروشی، نمایشگاه و یک کیوسک فروش نامه «مردم» حمله و آن‌ها را ویران کردند.

تبریز: حمله به کتابفروشی

عده‌ای از عوامل ضدانقلاب، ساعت ۱۰ صبح روز ۲۲ بهمن، به محل کتابفروشی حیدر عموواغلی، که در آن نشریات حزب توده ایران به فروش می‌رسید، حمله کردند. این اوپاشان تعداد زیادی کتاب، پوستر، عکس شهیدا و حتی عکس رهبر انقلاب را پاره کردند و تعداد زیادی از کتابها و پوسترها را نیز با خود بردند. این ضد انقلابیون، که مسلح به چاقوی ضامن‌دار بودند، در جواب اعتراض مسئول کتابفروشی، گفتند:

«ما از هیچ مقامی دستور نمی‌گیریم و هر چه دلمان بخواهد می‌کنیم.»

این عده سپس با چاقو مسئول کتابفروشی را تهدید به مرگ کردند، که از اعتراض دست بردارد.

لازم به تذکر است که روز ۸ بهمن ۵۹ نیز همین افراد دست به حمله مشابهی زدند، که خوشبختانه با دخالت یکی از افراد سپاه پاسداران، در انجام عمل خود موفق نشدند.

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم):

حل مسئله کردستان بر اساس پیام امام خمینی، در پیشبرد

انقلاب ایران مؤثر است

شکنی آنها در روند انقلاب و اقدامات ضد انقلاب و مافوق‌ستها، انقلاب دستاوردهای ارزشمندی داشت که خروج ایران از پیمان سنتو و تلاشی آن پیمان، قطع صدور نفت به رژیم صهیونیستی و آفریقای جنوبی... از جمله دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ تا اشغال لانه جاسوسی است.

در ۱۳ آبان ۵۸ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، با اقدام قهرمانانه خود انقلاب را جانی تازه بخشیدند و انقلاب را، که در معرض تهدید جدی قرار گرفته بود، نجات دادند و انقلابی بزرگتر از انقلاب اول آفریدند. از این پس خط مردمی و ضدامپریالیستی امام به خط مسلط در حکومت جمهوری اسلامی مبدل شد. به مردم ایران و تمام مستضعفین جهان اعلام شد که «آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است». به دنبال اشغال جاسوخانه آمریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن و کشورهای مرتجع منطقه با پیوستن به محاصره اقتصادی و تشدید تبلیغات بر علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دادند که دوستان و نوکران آمریکا بیش نیستند. اما اتحاد و یگانگی مردم ایران تحت رهبری امام و پشتیبانی کشورهای دوست انقلاب ایران، اقدامات ضدانقلابی جهانی را خنثی نمود و حتی باعث تعمیق انقلاب و تشخیص بیشتر دوستان و دشمنان انقلاب ایران شد.

آمریکا با تجاوز نظامی به طبرستان و توطئه کودتای نوزده میخواست که جمهوری اسلامی و انقلاب ایران را درهم شکند و منافع خود را مجدداً تثبیت نماید، که با آگاهی و اتحاد مردم میهنان خنثی گشتند. با شکست توطئه‌های پر دیر آمریکای پست صدامی، این تازه نوکر امپریالیسم، در شهریور ماه گذشته به بهانه‌های بی اساس به مرز و خاک میهنان تجاوز نظامی گسترده‌ای نمود، بدین امید که «اصلاح

هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) با صدور اطلاعیه‌ای در آستانه ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، پشتیبانی مجدد خود را از انقلاب ایران اعلام کردند.

در این اعلامیه آمده است:

«۲۲ بهمن یادآور اوج جانفشانیهای مردم انقلابی میهنان بر علیه ظلم و ستم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم است. مبارزات مداوم و خستگی‌ناپذیر خلقهای ایران علیه رژیم سرسپرده پهلوی در ۲۲ بهمن ۵۷ توانست رژیم محمدرضاشاهی را سرنگون سازد و انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی مردم ما به رهبری امام خمینی را پیروز گرداند. در هنگام مبارزات عنی و تظاهرات قهرآمیز مردم ایران بر علیه رژیم وابسته، کارگردان اعمال ضد خلقی رژیم در حقیقت امپریالیسم آمریکا بود که گاهی شریف امامی را به صحنه می‌آورد و گاهی از هزاری و زمانی بخیتر را.

علیرغم تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانخواه، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، علیه انقلاب ضد استبدادی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران، رژیم پهلوی سقوط کرد و سدی بزرگ از راه انقلاب برداشته شد. اما امپریالیسم بنا به ماهیت ضد مردمی خود تاب تحمل انقلاب را نداشته و همچنان به توطئه علیه انقلاب ایران ادامه داد و بسوسیله عوامل و دوستانش از یکسو تبلیغ میکرد که اصلا انقلابی صورت ننگرفته (ضد انقلاب و مافوق‌ستها) و از سوی دیگر عنوان میکرد انقلاب تمام شده و مردم به خواست‌هایشان رسیده‌اند (لیبرالها) و بدینوسیله سعی خواستند انقلاب را به شکست بکشاند و یا در چارچوبه منافع لیبرالها محدود کنند که آنهم در نهایت شکست انقلاب بود. علیرغم سازش لیبرالها با آمریکا و کار-

در این اعلامیه آمده است:

«۲۲ بهمن یادآور اوج جانفشانیهای مردم انقلابی میهنان بر علیه ظلم و ستم شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم است. مبارزات مداوم و خستگی‌ناپذیر خلقهای ایران علیه رژیم سرسپرده پهلوی در ۲۲ بهمن ۵۷ توانست رژیم محمدرضاشاهی را سرنگون سازد و انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی مردم ما به رهبری امام خمینی را پیروز گرداند. در هنگام مبارزات عنی و تظاهرات قهرآمیز مردم ایران بر علیه رژیم وابسته، کارگردان اعمال ضد خلقی رژیم در حقیقت امپریالیسم آمریکا بود که گاهی شریف امامی را به صحنه می‌آورد و گاهی از هزاری و زمانی بخیتر را.

علیرغم تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانخواه، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، علیه انقلاب ضد استبدادی - ضد امپریالیستی خلقهای ایران، رژیم پهلوی سقوط کرد و سدی بزرگ از راه انقلاب برداشته شد. اما امپریالیسم بنا به ماهیت ضد مردمی خود تاب تحمل انقلاب را نداشته و همچنان به توطئه علیه انقلاب ایران ادامه داد و بسوسیله عوامل و دوستانش از یکسو تبلیغ میکرد که اصلا انقلابی صورت ننگرفته (ضد انقلاب و مافوق‌ستها) و از سوی دیگر عنوان میکرد انقلاب تمام شده و مردم به خواست‌هایشان رسیده‌اند (لیبرالها) و بدینوسیله سعی خواستند انقلاب را به شکست بکشاند و یا در چارچوبه منافع لیبرالها محدود کنند که آنهم در نهایت شکست انقلاب بود. علیرغم سازش لیبرالها با آمریکا و کار-

توطئه ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول، از آن‌ها مصرانه می‌طلبیم که هرچه زودتر با جلوگیری از این اقدامات مخرب، از تشکیل کانون تشنج دیگری در کشور جلوگیری بعمل آورند و این توطئه را در لطفه خفه سازند.

۸۰۰ حلب روغن احتکار شده بین مردم قزوین پخش شد

۸۰۰ حلب روغن، که توسط یکی از سودجویان قزوین احتکار شده بود، توسط سپاه پاسداران در تبریز ضبط شد و در دسترس مردم قرار گرفت. بنا به گزارش خبرنگار



وزیر خارجه کامپوچیا:

هیچ سیاست خصمانه‌ای نمیتواند روند بازسازی و توسعه در جمهوری خلق کامپوچیا را سد کند

مونسن، وزیر خارجه کامپوچیا گفت: «هدف پیشنهادهای کنفرانس وزیران خارجه ویتنام، لائوس و کامپوچیا رسیدن به صلح و ثبات در آسیای جنوب شرقی است و این پیشنهادها منافع درازمدت همه کشورهای آسیای جنوب شرقی را که، خواهان عادی شدن اوضاع در منطقه هستند، دربر می‌گیرد.» وی گفت: «تنها گفت و شنود میان کشورهای «آسه‌آن» و سه کشور هندوچین، که بوسیله شرکت‌کنندگان در کنفرانس به آن اشاره شد، می‌تواند به از میان بردن مشکلات موجود در روابط میان آنها کمک کند.»

مونسن تأکید کرد: «دگرگونی کامپوچیا، که بعد از سقوط دارودسته خون‌آشام پول پوت-بینگساری صورت گرفته، غیرقابل برگشت است و هیچ سیاست خصمانه‌ای نمی‌تواند روند بازسازی و توسعه در جمهوری خلق کامپوچیا را سد کند.»

وزیر خارجه کامپوچیا ضمن اشاره به حمایت تایلند از بقایای پاند پول پوت، که تحت فشار آمریکا و چین صورت می‌گیرد، گفت: «این اقدامها نه تنها به حل و فصل مسائل میان دو کشور کمک نمی‌کند بلکه بزبان خود تایلند نیز هست.»

تبلیغات تحریک‌آمیز مراکز رادیویی غرب علیه لهستان همچنان ادامه دارد

هدف تبلیغات تحریک‌آمیز مراکز رادیویی غرب علیه لهستان، متشنج کردن هرچه بیشتر اوضاع داخلی این کشور است. این تبلیغات مفسده‌جویانه از سوی ستاد پیمان نظامی ناتو رهبری میشود. در این زمینه رادیوی «اروپای آزاد»، که مرکز آن در جمهوری فدرال آلمان است و با اختیارات سازمانهای جاسوسی آمریکا اداره میشود، بیش از تمام مراکز تبلیغاتی غرب فعالیت دارد. گفتارهای تحریک‌آمیز «اروپای آزاد»، صدای آمریکا، «بی‌بی‌سی» و «موج آلمانی» همه در جهت بی‌اعتبار کردن دولت و نظام سوسیالیستی لهستان و تحریک رادیوهای توده‌های مردم در برابر دولت است.

آمریکا تروریسم بین‌المللی را سازمان می‌دهد

کنفرانس پان‌قبرس حزب ترقی‌خواه زحمتکشان قبرس در نیکوزیا برگزار شد. در این کنفرانس «سیکیوس پاپایوآتو»، دبیر کل این حزب، طی سخنانی بی‌اساس بودن تلاش‌های دولت ریگان مبنی بر متهم کردن اتحاد شوروی را به شرکت در تروریسم بین‌المللی مورد تأیید قرار داد. «پاپایوآتو»، ضمن اشاره به جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام و رویدادهای شیلی و ایران و کودتای فاشیستی در قبرس گفت:

«این امپریالیسم آمریکاست که تروریسم بین‌المللی را سازمان می‌دهد، آنرا از لحاظ مالی تأمین می‌کند و از رژیم‌های ارتجاعی در سراسر جهان حمایت می‌کند.»

همکاری رژیمهای مصر و سومالی در زمینه نظامی توسعه می‌یابد!

رژیمهای مصر و سومالی، که هر دو، پایگاه در اختیار امپریالیسم آمریکا قرار داده‌اند، همکاری‌های نظامی خود را توسعه میدهند. یک هیئت نظامی سومالی برای مذاکره با رهبران نظامی مصری وارد قاهره شد. قرار است رژیم قاهره مستشار نظامی، تانک و سلاحهای دیگر به سومالی ارسال دارد.

به‌مناسبت دومین سالگرد تجاوز چین به خاک ویتنام

روز ۲۸ بهمن ماه ۱۳۵۷ نیروهای مسلح چین از فونگ‌تو تا شهر ساحلی مونگ‌کانی، در امتداد یک جبهه‌گسترده ۱۶۰۰ کیلومتری، تهاجم خود به ویتنام را آغاز کردند. این تجاوز پر دامنه و خونین با شلیک وقفه‌ناپذیر توپخانه سنگین چین بر روی شهرها و روستاهای ویتنام قهرمان آغاز شد و آنگاه تانکها دست به تهاجم زدند. به دنبال آن، نیروی زمینی با تجهیزات کامل وارد عمل گردید. پسران مقاومت قهرمانانه نیروهای ویتنامی، تلفات سنگین تجاوزگران چینی تا تاریخ ۹ اسفند ۱۳۵۷ از این قرار بود: ۲۷۰۰۰ سرباز چینی کشته و زخمی شدند، ۲۳۰ وسیله نقلیه نظامی و از جمله بیش از ۳۰۰ تانک نابود گردید. یورش چین از طریق تمرکز ارتش ۶۰۰۰۰۰ نفری در مرز ویتنام و صرف در حدود ۶۰۰۰۰ میلیون یوان از نتیجه دسترنج زحمتکشان چینی انجام پذیرفت. و سرانجام، توسعه‌طلبان چین، از بدر خونینی که در خاک ویتنام افشاندند، جز شکست محض و فضاحت‌بار ندریوندند.

تجاوز به ویتنام پدیده استثنائی در سیاست چین نبود.

تجاوز گسترده چین به ویتنام، پدیده استثنائی و رخدادی بدون مقدمه نبود. تنها حادثه آفرینی‌های چین در مرز ویتنام، طی سال ۱۳۵۶، نشانگر بیش از ۲۹۸ مورد تجاوز مرزی است. شمار تجاوزات نیرو-های مسلح چین در سال ۱۳۵۷ به ۵۸۴ مورد سر می‌زد. فزون بر آن، در یکصد مورد به حریم هوایی و ۴۸۱ مورد به حریم دریایی ویتنام تجاوز گردید.

جنگ تجاوز کارانه رهبران چین علیه ویتنام سوسیالیستی، ادامه منطقی سیاست داخلی زیانبخش و سیاست خارجی ماجراجویانه متکی بر توسعه‌طلبی و برتری‌جویی و بطور مشخص جلوه روشنی از سرشت شوونیسم عظمت‌طلبانه در عرصه عمل بود. اسانه «سرزمینهای از دست‌رفته»

تجاوز به ویتنام گامی در جهت تحقق بخشیدن به رویاهای شیرین توسعه‌طلبان چین مبنی بر دستیابی به «سرزمینهای از دست‌رفته» به حساب می‌آید افسانه «سرزمینهای از دست‌رفته» دیگر داستانی رمز آلود و راز سر به مهر نیست. کتاب «تاریخ مختصر چین معاصر» که در دهه چهل در چین انتشار یافته، حاوی نقشه‌ایست از «سرزمینهای از دست‌رفته» ای که در پین سالهای ۱۲۹۸-۱۲۱۹ از سوی «امپریالیست‌ها» به تصرف درآمده‌است.

برای پی‌بردن به اشتباه سیری‌ناپذیر توسعه‌طلبان چین، نگاهی به نقشه کفایت برمه، ویتنام، تایلند، مالزی، نپال، بوتان، ایالت سی‌کیم و جزایر آلسدیمان هند، مجمع‌الجزایر سولوی فیلیپین، گسره، مغولستان، و مناطق مرزی چشمگیری از اتحاد شوروی را در محدوده مرزی چین مشخص ساخته است!

در پرتو این حقیقت، می‌توان اشارات هشداردهنده نهفته در قطعنامه هشتمین کنفره حزب کمونیست چین را به خوبی درک و هضم کرد. در قطعنامه کنفره از جمله تصریح می‌شود: «گرایش‌های توسعه‌طلبانه و ابر-قدرت‌مآبانه صورت خطری جدی در خواهد آمد، اگر که راه بر آن سد نشود.»

چشم‌اندازهای چین و استراتژی تسخیر جهان مائو

جبهش ازدهای چین به هند، و آنگاه در بهمن ماه ۱۳۵۷ به ویتنام، تبدیل کامپوچیا به سریل توسعه‌طلبی و دیگر تحریکات و تهاجمات پر شمار مسلحانه بر ضد همسایگان خود، همگی در پیوند با برنامه‌های تجاوزگرانه یکن و بخشی از استراتژی کلی و دوررس چین بود. مائو خطوط اساسی برنامه توسعه‌طلبی و دست‌اندازی چین را بیان کرده است. در تیرماه ۱۳۳۸، مائو تسه‌دون بدون پرده‌پوشی اعلام داشت:

«ما بایستی جهان را تسخیر کنیم. جهان هدف ماست.»

مائو در سال ۱۳۴۴ چنین گفت: «ما باید بطور قطع آسیای جنوب شرقی، از جمله ویتنام جنوبی، تایلند، برمه، مالزی، و سنگاپور... را به چنگ آوریم، زیرا منطقه‌ای بسیار غنی و سرشار از کانی‌ها... است. زمانیکه ما برای خطه زرخیز تسلط یابیم، دیگر بادهای وزان از جانب شرق بر بادهای وزان از جانب غرب چیره خواهند گشت.»

وارثان مائو نیز به‌نحوی پیگیر و هدفمند در راه اجرای این آرزوهای بگور سرپرده «صدر مائو» تلاش می‌ورزند.

باخت تاریخی نصیب توسعه‌طلبان است

رهبری چین، بنا به سنت‌های سلطه-گران امپراتوری فئودالی چین، سخن‌دوچاره «حق درس‌آموختن به ویتنام» سرداد. این ماجراجویی، با مقابله توانمند ویتنام سوسیالیستی و در پرتو قهرمانی‌های خلق ویتنام و همبستگی اردوگاه سوسیالیسم و نیروهای مترقی و صلحدوست به فرجام محض خود انجامید. شکست تجاوز توسعه‌طلبان چینی گواه زنده‌ای بر آنست که چنین سیاستی بطور پرهیزناپذیر محکوم به شکست است و باخت تاریخی را نصیب می‌کند، زیرا در عصر حاضر، تجاوز علیه هر دولت مستقل، بویژه دولت سوسیالیستی، بوقوع سرکوب می‌شود.

پازی دوگانه سیاسی چین و تسلاک تهاجم جدید

با وجود گذشت دو سال از تاریخ جنگ تجاوز کارانه مرزی چین علیه ویتنام، سربازان چینی همچنان به تجاوزات و تحریکات مرزی ادامه میدهند. اخیراً حتی این تجاوزات و تحریکات تشدید گردیده است. سربازان چینی مکرراً روستاهای ویتنام را زیر شلیک خمپاره می‌گیرند.

سیاست تجاوز گرانه رهبری چین علیه ویتنام، محکوم به شکست است

چین تجاوزات عمقی دامنه‌داری در حریم آبی و هوایی انجام می‌دهد. هم‌اکنون چین برای پیش‌بردن اهداف توسعه‌طلبانه‌اش کلیه راهها و تاسیسات نظامی واقع در مناطق مرزی ویتنام را بگونه‌ای شتاب‌آلوده بازسازی می‌کند و واحدهای بسیاری از نیروهای مسلح خود را در نوار مرزی ویتنام متمرکز می‌سازد و تمامی تلاش خود را مصروف افزایش و خامت منطقه و تیر-ساختن مناسبات با ویتنام می‌کند. این کشور عامدانه و عملاً در مسیر عادی‌ساختن روابط سنگ‌اندازی میکند. از فروردین ماه سال ۵۸ تاکنون هیئت‌های نمایندگی دو کشور پنج بار در هائوی و ده‌بار در پکن تشکیل جلسه داده‌اند. گردهمایی آینده این رشته مذاکرات قرار بود چندین ماه قبل برگزار شود. ولی هیئت‌نمایندگی چین، ضمن انتشار بیانیه‌هایی از موضعی بیگانه با حل مسالمت‌آمیز اختلافات ارضی مطروحه، از حضور در مذاکرات سرباززد.

بر این بنیان، چین بازی دوگانه سیاسی تحریک‌آمیزی را به نمایش گذارد. چین از سوی با این واکنش دسیسه‌آمیز قصد داشت ویتنام را به هراس افکند، و از سوی دیگر رهبران ویتنام را به زیرباندن روش اصولی و پراعتبارشان و بدنبال آن گسستن روابط با چین ناگزیر سازد. در این بین، چین برای توجیه وزمنه‌سازی تجاوزات گذشته و سرپوش‌نهادن بر دسیسه‌های توسعه‌طلبانه آینده، هرازگاهی یکبار، از جانب مرتدان و ضدانقلابیون سرسپرده ویتنامی زیر نام «میمن پرستان راستین ویتنام» یا «پدران دمکراسی ویتنام» بیانیه‌هایی در-باره «ضرورت انقلاب نوینی» (بی‌شک همانند فاجعه خونبار کامپوچیا) منتشر میکند و از زبان آنها خواهان «درس‌عبرت‌آموختن» به ویتنام می‌شود. بدین‌سان، چین تجاوز جدیدی را تدارک می‌بیند.

هم سنگری مائوئیسم و امپریالیسم

ولی آنچه ناپستی از نظر دورداشت عبارات است از ارزیابی خصلت اجتماعی، محتوا و راستای سیاست برتری‌جویانه و توسعه‌طلبانه چین، که از طبیعت بینش مائوئیستی سرچشمه می‌گیرد، اینک مائوئیستها و امپریالیستها در همپیوندی عیان و غریب و با اعمال سیاسی و نظامی یکسان علیه خلقها، دست به جنگ‌افروزی و جبهه-گشایی می‌زنند. محافل جنگ‌طلب امپریالیستی برای مقابله با کامیابی‌های خلقها در روند واحد انقلاب جهانی، به سیاست ماجراجویانه و توسعه‌طلبانه و برتری‌جویانه رهبری چین بمنابله اقزاف آرموده ضد-کمونیستی و به چین بمنابله همسنگر و هم-پیمان خود می‌نگرند.

از سوی دیگر، شکی نیست که خلق قهرمان ویتنام، که همواره از همبستگی گسترده نیروهای انقلابی جهان برخوردار بوده و هست، در آینده نیز نقشه‌های تجاوز کارانه رهبری ارتجاعی چین و هم-پیمانان امپریالیستی آن را با شکست روبرو خواهد ساخت.

سیل تسلیحات آمریکائی بسوی خاور نزدیک روان است

به این کشورها اعزام میشوند. طبق آمار منتشر شده در هفته‌نامه «دیوایندستریز» نیوز اند ورلد رپورت، شمار کارشناسان و مستشاران نظامی آمریکا تنها طی سال گذشته در عربستان سعودی ۱۵۰ برابر و در مصر دو برابر شده‌اند.

افغانستان اشاره کرد. مذهبی افغانستان، در این اجلاس و ترقی هرچه بیشتر و تحکیم سعید محمد علی‌شاه توکلی، گفت: تحولات انقلابی به این جبهه یکی دیگر از علمای برجسته «مسلمانان کشور برای پیشبرد می‌یونند.»

شرکت روحانیون مترقی افغانی در جبهه ملی و میهنی

گزارشهای رسیده از افغانستان نشان میدهد که نمایندگان روحانیون میهن‌دوست و ترقی-خواه این کشور، به منظور حمایت از تشکیل «جبهه ملی و میهنی» کشور اجلاسی در کابل برقرار کردند. محمد سعید افغانسی، یک شخصیت مذهبی، در این اجلاس به نقش بزرگ جبهه در ساختمان زندگی نوین